



انترناسیونال

۲۶۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۶ مهر ۱۳۸۷، ۱۷ اکتبر ۲۰۰۸

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سر دبیر: محسن ابراهیمی

سوسیالیسم و سکولاریسم در مقابل جنبش اسلامی

مصاحبه با مریم نمازی در باره کنفرانس بزرگ "اسلام سیاسی، قانون شریعه و جامعه مدنی"



10/10/2008 14:51

مریم نمازی: این کنفرانس موفقیتی بزرگ بود. نزدیک به ۳۰۰ نفر به صفحه ۴

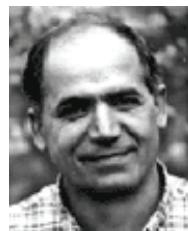
۲۰۰۸ راجع به اسلام سیاسی، قانون شریعه و جامعه مدنی برگزار کرد. کنفرانس چطور پیش رفت؟

انترناسیونال: شورای اکس مسلم در بریتانیا اولین کنفرانس بین المللی تمام روز خود را در جمعه ۱۰ اکتبر

به مناسبت هفدهمین سالروز

حزب کمونیست کارگری

گفتگوی شهلا دانشفر و اصغر کریمی در برنامه تلویزیونی سازمانده در کانال جدید



اصغر کریمی

مسئله را چگونه توضیح می دهید؟
اصغر کریمی: تا روزدهم آذرماه که هفدهمین سالروز تشکیل حزب است، کمتر از دو ماه باقی مانده است. بنظر منم، اگر حزب پدیده مهمی است و اگر ابزار مهمی برای مبارزه مردم و کارگران است، خوب، در نتیجه سالگردش هم مهم است و بمناسبت سالگردش هم، باید کارهای مختلفی انجام داد. می توان و باید اقدامات بزرگ، وسیع و گسترده ای سازمان داد. حزب ابزار مبارزه مردم است. حزب، وسیله ای است در دست مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی. حزب، وسیله ای است در دست مردم برای اتحاد شان. برای اینکه فردا دست به اعتصابات بزرگ و سراسری بزنند. برای اینکه تظاهرات های بزرگ سازمان بدهند، به خیابان بریزند و بنیان این حکومت ظلم و فساد، حکومت استثمار، صفحه ۲

شهلا دانشفر

اهمیت گرامیداشت سالروز حزب چیست؟ چه اقداماتی باید در دستور گذاشت؟ کسانی که خود را متعلق به حزب کمونیست کارگری میدانند چه باید بکنند؟ در این گفتگو به این سوالات پاسخ داده میشود.
شهلا دانشفر: اصغر کریمی، با سلام و به برنامه ما خوش آمدید.
اصغر کریمی: خیلی ممنون، من هم به شما و بینندگان عزیز سلام عرض می کنم.
شهلا دانشفر: اصغر کریمی، بحث مهمی را پیش رو داریم! سالگرد تأسیس حزب کمونیست کارگری ایران. از هم اکنون به استقبال این واقعه می رویم. بنظر من با اتفاق مهمی روبرو هستیم. وقتی می گوئیم این حزب پاسخ به اوضاع سیاسی امروز جامعه است، در واقع، می توانیم از تشکیل آن هم بعنوان یک اقدام مهم یاد کنیم. شما اهمیت این

حقوق کودک معیار مهمی در انسانی بودن جامعه است

گفتگو با محمد آسنگران به مناسبت برگزاری فستیوالهای کودکان در ایران



محمد آسنگران

بودند؟

محمد آسنگران: اولین موضوعی که در این رابطه میتوان گفت این است که مسئله کودک به يك مسئله اجتماعی و مهم در جامعه ایران

انترناسیونال: فستیوالهای روز جهانی کودک چند سال است که به يك اتفاق قابل توجه در ایران تبدیل شده است. امسال هم در شهرهای تهران و سمنان و بیرانشهر و کرمانشاه و... فستیوالهای باشکوهی برگزار شدند. شاخص فستیوالهای امسال چه ها

صفحه ۵

کارگران تبریز هم به لیست کمک کنندگان به کانال جدید پیوستند

کارگری و کانال جدید را در مبارزه خود، در ارتقای آگاهی سیاسی و يك صفحه ۱۱

سیاسی است. نشانه این است که کارگران دارند به ارزش حزب خود و يك رسانه قوی که مال خود بدانند پی میبرند و تاثیر حزب کمونیست

اصغر کریمی

ماه قبل به مناسبت کمک مالی ۱۸ نفر از کارگران ماهشهر به کانال جدید نوشتیم که این يك واقعه مهم

صفحه ۱۰

اعدام قتل عمد دولتی - خشونت در جهان نسبت به زنان، سخنرانی مینا احدی در امریکا

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ به مناسبت هفدهمین سالروز ...

حکومت ضد مردم، حکومت فقر، محرومیت و سرکوب را از ریشه براندارند. اکثریت عظیم مردم در آرمان ها و اهداف حزب شریک اند. این حزب باید بزرگترین حزب سیاسی کشور باشد. هم اکنون هم البته، بزرگترین حزب هست اما مهم این است که آثار و شواهدش در همه جا وجود داشته باشد. مسئله فقط داشتن این کانال تلویزیونی نیست! باید در هر کوچه ای، در هر محله ای، در هر کارخانه و دانشگاهی، نشانه ها، و آثار حضور حزب وجود داشته باشد تا بتوان آن را به خاری تبدیل کرد در چشم دشمنان این حزب! خاری در چشم آخوند جماعت، اطلاعاتی ها، سرمایه داران و آن مفتخورها و ولگرد های بیکاری که در بالای جامعه نشسته اند و هیچ کاری جز غارت و سرکوب مردم ندارند. در واقع، سالگرد این حزب، مناسبتی است که حزب با تمام قدرت به میدان بیاید. زمان آن است که آن صدها هزار نفری که خودشان را سوسیالیست می دانند، خودشان را کمونیست و با این حزب می دانند، دست به اقدام بزنند. همیشه باید دست به اقدام بزنند و کاری کنند تا حضورشان را نشان بدهند اما، در روزهایی که به سالگرد حزب نزدیک می شویم، بنظر من باید فعالیت و مبارزه کسانی که این حزب را مال خود می دانند، به اوج خود برسد. زمانی بود که به مناسبت هایی، در برخی شهرها و مناطق، بر بلندای کوه ها آتش روشن می کردند. این امکان وجود دارد که باد کنک ها را هوا کنند! جشن های شاد بپا کنند، با هم به گردش، شادی و پیک نیکی بروند، اعلامیه ای پخش کنند یا شعاری بنویسند و ...

شهلا دانشفوره در مورد اقداماتی که می شود کرد، بعداً صحبت میکنیم ...

اصغر گریمی: بله، فقط همینقدر اینجا اشاره کنم که باید فعالیت های زیادی را سازمان داد. امسال باید سالگرد تأسیس این حزب در همه جا معلوم باشد. در تهران، در کرمانشاه، تبریز، شیراز، اهواز، کرمان، مشهد و همه جا. باید معلوم باشد که این حزب در حال فراگیر شدن و گسترش است. معلوم باشد که این حزب در

همه جا وجود دارد و دیده می شود. در قلب مردم است و در هر خانه ای حضور دارد. اینرا باید نشان داد. این به هیچوجه کافی نیست که فقط در قلب من و شما باشد! مهم این است که این حزب را نشان دهیم! همه ببینندش! دوست و دشمن! سران و عوامل جمهوری اسلامی هم باید ببینند که دوستاران این حزب همه جا هستند. احساس کنند که در محاصره مردم هستند و دوستان این حزب هم، امید و روحیه پیدا کنند، تشویق شوند و ببینند که همسایه شان، همکلاسی شان، هم کارخانه ای و همکارشان، دارند برای این حزب فعالیت می کنند و بروشنی معلوم باشد که در این محله، در این کارخانه، در این دانشگاه و مدرسه، یک عده ای با این حزب هستند و دارند فعالیت می کنند و به این معنا، مهم است که با تمام قوا به استقبال سالگرد حزب برویم و در چنین صورتی، این یک پیروزی بزرگ خواهد بود برای مردم ایران! یک گام بزرگی خواهد بود برای اینکه مردم نشان بدهند که انتخاب شان را کرده اند.

شهلا دانشفوره: دقیقاً. منمهم می خواستم به شکل دیگری روی همین نکته تأکید کنم. به اینکه هم اکنون، در اوضاع سیاسی متحول امروز و در شرایطی که جامعه اینچنین در التهاب مبارزه می سوزد، وقتی مردم به برنامه های تلویزیون هجوم می آورند و می پرسند "چه کار باید کرد"، پاسخ ما این است که به حزب بپیوندید. برای وزیر کشیدن این سیستم و کل این رژیم باید حزب سیاسی داشت و بدون حزب سیاسی به هیچ جا نمی توان رسید! این حزب وجود دارد. حزب کمونیست کارگری ایران! این کانال صدای این حزب را به مردم میرساند و بنابراین، می خواهم بگویم که با توضیحاتی که شما دادید، روشن است که در واقع، گرمیداشت سالگرد تشکیل این حزب، یعنی گرمیداشت یکسری اهداف معین! اهدافی که خواست های این جامعه و مردم است. آزادی، برابری، انسانیت، همان صحبت هایی که در خیلی از برنامه ها شاهد بوده ایم که خود مردم به زیباترین شکل بیان شان کرده اند. آنزمان که سؤال می کردیم سوسیالیسم یا سرمایه

داری، چگونه دسته دسته تماس می گرفتند و خودشان را سوسیالیست اعلام می کردند. این حزب، حزب همین اهداف است و سالگردش هم، سالگرد بزرگداشت همین اهداف است و این، همانطور که گفتید، از یک اهمیت سیاسی برخوردار است و به همین دلیل، امسال بسیار با سالهای دیگر متفاوت است. با اینهمه، ممکن است برخی دوستان بگویند که خوب، دو ماه به سالگرد حزب باقی مانده است! چرا از هم اکنون این بحث ها را مطرح می کنید؟! هنوز فرصت باقی است! پاسخ شما در این زمینه چیست؟

اصغر گریمی: برای هر کاری تدارکاتی لازم است! اگر آن کار اهمیت دارد، در نتیجه مردم باید حداقل دو ماه فرصت داشته باشند که در جمع های خودشان بنشینند و تصمیم بگیرند که به این مناسبت می خواهند چکار کنند. فکری بکنند. نقشه ای بریزند و مثلاً، اگر می خواهند جزوه ای پخش کنند، باید از هم اکنون پانصد یا دویست نسخه اش را آماده کرده باشند. اگر می خواهند آتشی روشن بکنند، اگر می خواهند جشنی بگیرند، اگر می خواهند در محله شان سر و صدایی به پا کنند، اگر می خواهند آثار و شواهدی از این حزب را در دسترس دیگران قرار دهند که نشان دهند حزب در مدرسه، کارخانه و محله شان حضور دارد، خوب، باید از همین الان به فکرش باشند! طرح ریزی بکنند و بین خودشان یک تقسیم کاری صورت دهند. ملزوماتش را فراهم کنند و به این معنا، لازم است که خودشان را سازمان بدهند، درباره این مسئله صحبت بکنند و با آمادگی تمام به استقبال آن روز بروند.

شهلا دانشفوره: بله، بویژه آنکه به استقبال این روز رفتن، در واقع ایجاد نوعی فضای سیاسی هم هست! و خود این نکته بسیار مهم است. این، یک آکسیون یک روز نیست! یک اتفاق سیاسی بزرگ است که باید به استقبال رفت.

اصغر گریمی: درست است! روز دهم آذر سالروز تشکیل حزب است و ۱۰ روز اول آذر باید هر روز، کار مشخصی انجام دهیم. همیشه باید فعالیت کنیم و همانطور که استشار سرمایه داران تعطیل ناپذیر است، مبارزه هم تعطیل ناپذیر است! مبارزه ما هم برای ایجاد رفاه و یک

جامعه انسانی تعطیل ناپذیر است. پیوستن به این حزب هم هر روزه صورت می گیرد. کمونیست شدن هم هر روزه شده است و با اینحال، برای آن ۱۰ روز لازم است که فعالیت فشرده ای را سازمان داد. مردم باید در جمع هاشان برنامه ریزی کنند و مثلاً بگویند روز اول فلان کار را می کنیم، روز دوم شعار نویسی می کنیم، روز سوم اعلامیه پخش می کنیم و الی آخر. باید این ۱۰ روز را بین خودشان تقسیم کنند و تصمیم اساسی بگیرند که ۱۰ روز تمام در محله های شهر فعالیت های مختلفی را صورت دهند.

شهلا دانشفوره: لطفاً توضیح دهید که رئیس کار و اقداماتی که در این ۱۰ روز میشود انجام داد، بویژه در این اوضاع بخصوص، که واقعاً بتوان این سالگرد را با شکوه برگزار کرد، چیست؟

اصغر گریمی: هر تک نفری که به این تلویزیون زنگ می زند و می گوید سوسیالیست است، لااقل نماینده صد هزار نفر دیگر است. خوب، طبیعی است تمام مردمی که به این حزب و تلویزیونش علاقه دارند، هر روز نمی توانند زنگ بزنند. بالاخره از هر هزاران نفری که پای تلویزیون نشسته اند، یک یا چند نفر امکانش را دارند و می توانند زنگ بزنند و با گفتن اینکه ما کمونیست هستیم، ما سوسیالیست هستیم و سرمایه داری را نمی خواهیم، دارند می گویند که با این حزب هستند. دارند می گویند عضو این حزب هستند بدون اینکه ما بدانیم و در هر حال، بگونه ای خود را متعلق به این حزب می دانند اما مهم این است که فعالانه و بطور رسمی هم تماس بگیرند و اعلام همکاری کنند و عضو حزب خود بشوند. تماس بگیرند و بگویند در کدام شهر هستند. چه کاری می توانند انجام دهند، جمع شان چند نفره است، رهنمود بگیرند، تجربه های دیگران را کسب کنند تا بتوانند این مبارزه را با نیروی بیشتری به پیش ببرند. تمام بحث ما این است که کارگران و مردم، بدون تشکل و سازماندهی پراکنده اند و حتی اگر همه شان هم بشکلی که گفتیم عضو این حزب باشند و خودشان را متعلق به این حزب بدانند ولی فعالیت متشکلی نداشته باشند، هنوز پراکنده اند. این حزب باید در همه جا هزاران عضو

داشته باشد. باید شعبه این حزب در هر شهر و محله، مدرسه، دانشگاه و کارخانه ای وجود داشته باشد و ما هم نیاز داریم که اینها را بدانیم. بدانیم تا بتوانیم هماهنگ و متشکل شان کنیم. بتوانیم نشریه، کتاب و جزوات را بدست شان برسانیم. باید بدانیم توانایی و استعداد آن جمع چقدر است. علاقه شان چیست، در کدام زمینه می توانند کار کنند و آمادگی شان چقدر است تا بتوانیم بطور مشخص تری رهنمود بدهیم. بالاخره همه اجزاء این ماشین باید با هم کار کنند و امر مبارزه را با هم و هماهنگ به پیش ببرند. مردم نمی توانند بطور پراکنده و بی اطلاع از همدیگر کاری زیادی بکنند. این اولین مسئله است و مسئله دیگر اینکه باید در این فاصله تصمیم بگیرند و مثلاً بگویند پنج نفر دیگر را هم به این حزب می آوریم. زیاد می شویم و اگر الان پنجاه هزار نفر هستیم، در دو ماه آینده دویست و پنجاه هزار نفر می شویم. راستش کار سختی هم نیست و من بارها در صحبت هایم گفته ام که شرایط جامعه ایران برای سوسیالیسم، مانند زمین حاصلخیزی است که هیچ کس نمی تواند در مقابل این بذر سوسیالیسم مقاومت کند. مردم و کارگران از این امکان، از این تویخانه قوی برخوردارند و در نتیجه این تویخانه می تواند در ابعاد وسیعی این بذر را بپاشد و کاری که باقی می ماند، اینکه مردم و کارگران (ضمن آنکه خودشان هم دارند این بذر را می کارند)، باید بروند این محصول را درو کنند! از همسرشان، پدر و مادرشان، برادر و خواهر، همسایه و دوست مورد اعتماد و نزدیک شان بخوانند که به این حزب بپیوندند و با هم امر مبارزه را به پیش ببرند. از هر رفیق تازه ای که به آنها اضافه میشود هم خواهند که هر نفر تلاش کند پنج نفر دیگر را با این حزب همراه و آشنا کند تا بدین وسیله، هر کاری که یک نفر می خواهد بکند را، پنج نفر انجام دهند. حرف من این است که مردم با چنین فعالیت های گسترده ای باید خودشان را برای روزهای سالگرد حزب آماده بکنند و در عین حال، هر رفیقی و هر جمعی چند اقدام مهم را در دستورشان قرار دهند. اول، شعار نویسی. و طبیعی است اولین شعاری که باید در همه جا نوشته شود، "زنده باد حزب

از صفحه ۲ به مناسبت هفدهمین سالگرد ...

کمونیست کارگری" است و یا "به حزب کمونیست کارگری پیوندید". دومین شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" و سومین شعار هم "مرگ بر سرمایه داری، زنده باد سوسیالیسم" است. البته مردم خواسته‌های زیادی دارند که هر جمعی میتواند متناسب با امکاناتش هر تعداد شعار که میتواند بنویسد اما این دو سه شعار، شعارهای محوری است. این شعارها، شعارهایی است که مردم را متحد می کند. "سرنگونی جمهوری اسلامی"، امر فوری، میرم و مهم همه مردم است و از آنطرف هم، باید اسم این حزب بر در و دیوار نقش ببندد. حزبی که مردم حول آن جمع شده اند تا این مبارزه را به سرانجام برسانند. پخش اعلامیه ها و تراکت های حزب (که در سایت های حزب هست) اقدام دیگری است که باید انجام داد. می توانند آدرس بدهند تا ما برایشان بفرستیم و بویژه باید اعلامیه های مشخص و معینی را در آن روزها تکثیر و پخش کنند. همچنین کتاب ها و جزوات حزب را پخش کنند و بخصوص جزوه ها و کتابهایی را که معرفی کرده ایم و از آن جمله است "یک دنیای بهتر"، برنامه ی حزب، جزوه "حکومت مذهبی نمی خواهیم" و یا جزوه "این حزب شماست" و اگر با ما تماس بگیرند ما متناسب با توان و امکانات شان، جزوات بیشتری را معرفی می کنیم. کسانی که به کامپیوتر و اینترنت دسترسی دارند، می توانند این جزوه ها را بگیرند و در نتیجه، این امکان وجود دارد که هزاران نسخه از اینها در سراسر کشور پخش شود. علاوه بر اینها، یعنی علاوه بر شعار نویسی، پخش اعلامیه ها و تکثیر و پخش جزوات حزب، بنظر من باید فکر بکنند که اساسا چه کار معینی می توانند انجام دهند. شاید بتوانند جشنی بگیرند. آتشی روشن کنند و چه بسا بتوانند در محله شان، دور هم جمع شوند و یک کار قشنگ، مهم و تأثیر گذاری انجام دهند. این امکانات وجود دارد و در هر حال، هر جمعی، ۱۰ نفر، ۱۵ نفر باید بنشینند، صحبت کنند و در این مورد تصمیم بگیرند و بنظر من، اگر اهمیت این

مسئله روشن شود، خودشان دهها ایده، ابتکار و خلاقیت دیگر دارند که می توانند بر اساس آن، اقدامات دیگری را هم سازمان دهند.

شهلا دانشفوره: اصغر کریمی، به نکات مهمی اشاره کردید و منمهم در ادامه صحبت هایتان می خواهم چند نکته را یادآور شوم. یکی اینکه ما باید بمناسبت گرامیادداشت هفدهمین سالگرد تشکیل این حزب، شاهد پیام های پرشور دوستداران این حزب به حزب باشیم. تمام کسانی که خودشان را با این حزب می دانند، می توانند پیام هایشان را روی پیامگیر تلویزیون بگذارند و یا ایمیل کنند که در نشریات حزب چاپ شود.

این پیام ها اهمیت سیاسی دارد. این پیام ها ثبت لحظات شورانگیزی از تاریخ اند! بخصوص آنکه اگر متوجه باشیم که حزب از چه جایگاه سیاسی مهمی در این مقطع برخوردار است. مردم باید بعنوان جمع های حزبی، جمع هایی که حول تلویزیون کانال جدید جمع شده اند، پیام بدهند. جمع های کارگری، جمع های دانشجویی از جاهای مختلف و به این ترتیب، بتوانند به نوعی، همبستگی و تعلق خود را به این حزب به گوش همه برسانند. اعلام همبستگی با آرمان های حزب، با حزبی که بطور واقعی پاسخ اساسی به اوضاع سیاسی امروز است. این، یک جنبه مهم این مساله است و از جانب دیگر (همانطور که گفتید)، این جمع ها می توانند بمناسبت سالگرد تشکیل حزب، تدارک جشن ببینند. می توانند تصمیم بگیرند که در جمع های خودشان، شبی را بمناسبت هفدهمین سالگرد حزب، به شادی برگزار کنند. می توانند تراکت هایی را که در سایت های حزب قرار دارد را پخش کنند و یا در همه جا بنویسند که "هفدهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری را گرامی می داریم" و یا فقط زنده باد حزب کمونیست کارگری! باید این جمله را بر در و دیوار نوشت و در همه جا پخش کرد. باید نشان داد که ما مشغول یک امر مهم هستیم و امر مهمی را در دستورمان گذاشته ایم.

اصغر کریمی: شما به نکته مهمی در

مورد پیام ها اشاره کردید. بنظر من، مردم باید از همین حالا پیام های خودشان را بگذارند. این پیام ها پخش می شود و از هم اکنون، سر مشق و الگویی می شود برای دیگران. هر تک نفری که حزب را متعلق به خود میدانند و فکر می کند آینده جامعه را این حزب رقم می زند، خوب است پیام خود را بفرستد. زنگ بزند و یا همانطور که شما گفتید به هر شکلی که می تواند از طریق اینترنت، نامه اش را بفرستد. ما این پیام ها را جمع کرده و بمناسبت سالروز حزب پخش می کنیم. می توان این پیام ها را به کتاب تبدیل کرد. این سال، سال ۱۳۸۷، سال حزب کمونیست کارگری ایران است. سالی است که میلیون ها نفر متوجه این حزب شده اند و یا به این حزب علاقمند شده اند. میلیون ها نفر تحت تأثیر تلویزیون این حزب، دارند در کوچه و خیابان، کارخانه، مدرسه و محله شان، حرف هایی می زنند که هر کسی می شنود، می گویند این حرف ها شبیه حرف کمونیست های کارگری هاست و به این معنا، بسیار مهم است که این پیام ها، از هر محله ای، از هر مدرسه ای، از هر کارخانه و دانشگاهی داده شوند. مثلاً با عنوان "جمعی از معلمان منطقه ..."، "جمعی از کارگران فلان کارخانه"، "جمعی از دانشجویان فلان دانشگاه"، "جمعی از جوانان فلان شهر"، جمعی از کارگران غرب یا شرق تهران و غیره. فرستادن این پیام ها، قدرت و ابعاد کار مردم و مبارزه شان را نشان می دهد. دلگرمی و همبستگی ایجاد می کند و بنظر من، از نظر سیاسی هم، برای پیشرفت مبارزه مردم بسیار مهم است.

شهلا دانشفوره: شکل دیگرش هم، آمدن به برنامه های زنده و پیام دادن از این طریق است. علاقمندان حزب از همین حالا باید بیایند و دیگران را فراخوان بدهند تا بمناسبت سالگرد حزب با ما تماس بگیرند. کسانی را که دوستان این حزب هستند و این حزب را متعلق به خودشان می دانند. خوب، ما هم تدارکاتی دیده ایم و برنامه های ویژه ای خواهیم داشت. ضمن آنکه شما به شعارهایی اشاره کردید که باید در همه جا نوشته

شوند. تاکید من این است که سعی کنند این شعارها را بصورت زیبا و کتابی و تا حد امکان نه به دستخط خودشان، بنویسند. باید تا جایی که امکان دارد با همین شعارها پلاکارد نصب کنند. این بویژه از مواردی بوده است که ما در عسلویه، کرمانشاه، سندانج و غیره تجربه اش را داشته ایم. شما چه میگوئید؟

اصغر کریمی: بله. نکته ام همان چیزی بود که شما اشاره کردید. تهیه پلاکارد! این بسیار مهم است. اینکه پلاکاردهایی را آماده کنند و در آن ۱۰ روز در جاهایی نصب کنند. این مهم است که مردم صبح که بیدار میشوند ببینند یک پلاکارد مهم در یک نقطه ای، در یک محله پررفت و آمد آویزان شده است! ممکن است فقط چند ساعت در آنجا باقی بماند اما، این یک روش مهم تبلیغ و جلب توجه مردم است و نکته دیگری هم که می خواستم اشاره کنم، کمک مالی به کانال جدید است. ببینید، ما به یک حزب قدرتمند و با امکانات تبلیغی زیاد نیاز داریم. حزبی که بتواند مبارزه مردم برای برچیدن بساط جور و ستم و ستمگری را هدایت کند. کانال جدید برای همه ما حیاتی است. این، ابزاری است که به مردم قدرت بیشتر می دهد. ابزاری است که چشم و گوش مردم را باز می کند و به آنها امید می دهد. هم اکنون، اگر اشتباه نکنم، دوازده هزار و دویست دلار، جمع مبلغ ماهیانه ای است که از داخل و خارج کشور برای کانال جدید تعهد شده است. این در حالی است که (همانطور که قبلاً هم اعلام کرده ایم) این تلویزیون برای ادامه حیات خود ماهانه ۴۷ هزار دلار نیاز دارد و کمک های تاکنونی فقط یک چهارم یا بیست و پنج درصد آن را تأمین میکند. می خواهم بگویم تمام این صدها هزار انسانی که سوسیالیست اند و خودشان را با این حزب می دانند، باید به فکر کمک باشند و این بسیار عاجل است. بنظر من هزاران نفری که خود را با این حزب میدانند براحتی میتوانند این مبلغ را تأمین کنند. باید عده ای جلو بیفتند و دیگران را هم به کمک تشویق کنند. هر اندازه کمی هم که بتوانند چون تعدادشان زیاد است مشکل را حل میکنند. کاری کنیم که در هفدهمین سالگرد تشکیل حزب بگوییم که

کانال جدید خود کفا شده است. بر دوش خود مردم ایستاده است و دیگر برای ادامه حیاتش نگرانی در کار نیست. این، می تواند یک هدف دو ماهه برای مردم باشد تا بگوییم این دو ماه، دو ماهی بود که طی آن، مردم، کارگران، سوسیالیست ها و تمام کسانی که آزادی و رفاه می خواهند، تمام انسانهایی که نابرابری نمی خواهند و در اهداف و آرمان های این حزب شریک شده اند، توانستند تلویزیون خودشان را نگاه دارند و این یک پیروزی بزرگ برای ما است. این، خار بزرگی در چشم سران جمهوری اسلامی و مزدوران و مفتخوران این رژیم است.

شهلا دانشفوره: بله، آخرین نکته ای که گفتید، در واقع، مهمترین نکته ای است که این تلویزیون باید بتواند از نظر مالی مشککش رفع شود. بعنوان آخرین سوال اگر نکته ای دارید میتوانم خیلی کوتاه توضیح دهید.

اصغر کریمی: حزب باید روز بروز بزرگتر و قدرتمندتر شود. حضورش باید همه جا محسوس و ملموس باشد. سالگرد حزب مناسبتی است که همه تلاشمان را بکار ببریم، دوستان و آشنایان را باید به حزب جذب کنیم، شبیه خودمان را تکثیر کنیم، زیاد شویم، تماس بگیریم و هرچه سریعتر و هرچه وسیعتر متشکل شویم. اخبار همه جا باید به حزب برسد، شعارهای حزب باید همه جا نوشته شود، اعلامیه ها و کتابها و جزواتش باید همه جا باشد. بحث حزب و اهدافش باید همه جا، در هر کارخانه و دانشگاه و محله و مدرسه ای با صدای بلند شنیده شود. برای رهایی از این جهنم به این حزب نیاز عاجل داریم. باید بزرگش کنیم. قدرتمندش کنیم. همه جا باید قابل دیدن باشد. و بویژه تلویزیونش را نگه داریم. این اساس کار ما در این دوره است.

شهلا دانشفوره: با تشکر از شما که در این گفتگو شرکت کردید.

اصغر کریمی: من هم متشکرم.

این مطلب را
هادی وقفی
پیاده و تایپ کرده است.



مریم نمازی

کشور می‌گزیند اولین قربانیان و خط اول مقاومت علیه این جنبش هستند. می‌خواهند به ما بقبولانند که داریم برای ارزش‌های غربی می‌جنگیم در حالی که این‌ها ارزش‌های جهانشمول هستند. به هر جای ایران که بروید، ارزش‌های روشنگرانه‌ای را می‌بینید که از دورترین تصوراتان هم فراتر است. می‌خواهند به ما بقبولانند که داخل در مقابل اسلام‌گرایی داخل نظامی است یا این‌که "دخال"ت هایشان در عراق، فلسطین و افغانستان فقط به تقویت این جنبش انجامیده. اما چپ ناسیونالیست اروپایی هم چیزی بهتر از این نیست. وقتی کار به حقوق در قوانین اسلامی می‌رسد این‌ها همیشه مبصر می‌شوند. این‌ها جنبشی ضداستعماری هستند و چشم‌اندازشان با طبقات حاکم باصطلاح جهان سوم تطابق می‌کند. آن‌ها طرفدار "مستعمره‌ها" هستند، حالا هر اتفاقی که می‌خواهد در آن‌ها بیافتد. و درک آن‌ها از "مستعمره‌ها" اروپامحور، ارباب‌منشانه و نژادپرستانه است. می‌خواهند ما بپذیریم مردم در این کشورها با رژیم‌هایی که علیه‌شان مبارزه می‌کنند یکی هستند. حتی ضدامپریالیسمشان هم پوچ است؛ نمی‌خواهند کمی عمیق شوند و ببینند چگونه اسلام سیاسی بخش دائمی نظم نوین جهانی است. همانطور که گفتم عجیب نیست که افراد بسیاری در سراسر جهان می‌خواستند در این کنفرانس شرکت کنند و بفهمند ما چه داریم که بگویم. ما حتی درخواست شرکت در این‌جا از افغانستان و پاکستان را داشتیم گرچه آن‌ها به دلایل دیگر نتوانستند بیایند.

بعد از سخنرانی افتتاحیه‌ی من، اولین مبحث با نام "قوانین ارتداد و آزادی محکوم کردن و انتقاد از مذهب" به مدیریت کاسپار ملویل،

سردبیر مجله‌ی "نیو اومانیت" (۱) ، آغاز شد. این افراد در این بحث شرکت داشتند: مینا احدی (رئیس شورای اکس مسلم در آلمان) ، ای.سی.گری لیننگ (فیلسوف و نویسنده) ، احسان جامی (رئیس سابق شورای اکس مسلم در هلند) ، فریبرز پویا ، هان استینسون (رئیس اجرایی انجمن اومانیت بریتانیا) و ابن وراق (نویسنده). آن‌ها به آزادی فوری تمام کسانی که به جرم "ارتداد" زندانی شدند، لغو مجازات اعدام و لغو قوانینی که علیه حق و آزادی محکومیت و انتقاد اسلام است، فراخوان دادند.

پس از صرف نهار نیک دودی با اجرای نمایش کم‌دی در نقد مذهب همه را سرگرم کرد. یکی از حرف‌های او این بود: "مذهب به جورایی مثل به سگ‌گنده می‌مونه؛ اگه مال تو باشه دوشش داری و بهت آرامش می‌ده اما بقیه‌رو می‌ترسونه و حداقل کاری که می‌شه کرد اینه که از بچه‌ها دورش کنی".

سپس مبحث دوم با عنوان "قانون شریعه و حقوق شهروندی" آغاز شد. آنردو کاپسون (مدیر بخش آموزش و روابط عمومی انجمن اومانیت بریتانیا) مدیر این بحث بود؛ در این بحث این افراد شرکت داشتند: مهین علیپور (رئیس شوراهای اکس مسلم در اسکاتلندناوای) ، روی براون (نماینده‌ی اتحادیه‌ی بین‌المللی اومانیت‌ها و اخلاق‌گرایان در شورای حقوق بشر سازمان ملل) ، یوهان هاری (روزنامه‌نگار) ، ابن وراق و خود من. در پایان حضار با اشتیاق از این قطع‌نامه حمایت کردند: "این کنفرانس به دولت‌های بریتانیا و اروپا فراخوان می‌دهد که استفاده و اعمال قانون شریعه، که علیه زنان و کودکان به طور مشخص تبعیض قائل است، را متوقف کنند و حقوق شهروندی برابر و بدون شرط را برای همه تضمین کنند". مخاطبین سپس به تماشای نسخه‌ی بازسازی شده‌ی فیلم گیت ویلرز ، سیاستمدار هلندی راست‌گرا، نشستند که "بازسازی فتنه" نام دارد و رضا مرادی آن را ساخته است. پس از استراحت، ریچارد داوکینز (دانشمند، نویسنده) به نقد "اطلس آفرینش" هارون یحیی پرداخت که بخاطر آن سایت او را در ترکیه ممنوع کرده‌اند. پس از آن نوبت سواها و جواب‌های مخاطبین بود. سپس مبحث سوم با عنوان

"تئوری آفرینش، آموزش مذهبی و مدارس مذاهب" آغاز شد که مدیر آن، کیت پورتوس وود (مدیر اجرای انجمن سراسری سکولار) بود. این افراد در این مبحث شرکت کردند: ریچارد داوکینز ، تری ساندروسون (رئیس انجمن سراسری سکولار) ، جوان اسمیت (روزنامه‌نگار و فعال) ، بهرام سروش (روابط عمومی کمیته‌ی همبستگی کارگری) و حمید تقوایی (لیدر حزب کمونیست کارگری ایران). سپس من در سخنرانی اختتامیه از شرکت‌کنندگان خواستم تا حول ۸ مارس، روز جهانی زن، متحد شوند و علیه قانون شریعه و اسلام سیاسی بایستند.

در تمام روز من، بهرام سروش، فریبرز پویا و سهیلا شریفی با رسانه‌ها صحبت کردیم از جمله بی بی سی، تلویزیون العربیه، تلویزیون دولتی ایتالیا، وال استریت ژورنال، سی.ان.اس نیوز، گاردین و غیره. فیلم و عکس‌های کنفرانس به همراه پوشش رسانه‌ای آن در وبسایت اکس مسلم بریتانیا موجود است که این را مدیون رضا مرادی هستیم. (فیلم ها: <http://www.ex-muslim.org.uk/eng/pressreleases/press-pages/Video-Conference-Report-October10-2008.htm>)

و عکس‌ها: <http://www.ex-muslim.org.uk/eng/pressreleases/press-pages/Picture-Conference-Report-October10-2008.htm>

به غیر از رضا ، فریبرز و بهرام ، جلیلی و کیوان جاوید هم نقش مهمی در سازمان‌دهی کنفرانس و در طول روز داشتند.

انترناسیونال: آیا به هدف‌تان رسیدید؟
مریم نمازی: بله فکر می‌کنم رسیدیم. منظرم این است که می‌خواستیم به مردم بگویم که باید مقابل اسلام سیاسی بایستند اما این هم کافی نیست. اگر مخالف آن هستید چون می‌خواهید جلوی مهاجرت را بگیرید یا چون می‌خواهید از ارزش‌های "غربی خودتان" در مقابل کسانی دفاع کنید که به نظراتان "متفاوتند و حتی لایق قانون شریعه هستند" و از ایران و سایر نقاط می‌آیند، این دیگر

از نقطه نظر انسانی بی معناست. نقد اسلام به عنوان پرچم جنبشی سیاسی مهم است اما فقط به این شرط که به همراه نقد کلی به مذهب و دسترسی‌اش به قدرت سیاسی باشد. در ضمن دلیل انتقاد هم مهم است. اگر هدف دفاع از انسان، مقدس شمردن انسان و پیشرفت وضع انسانیت نباشد - من که شخصا نمی‌فهمم معنای آن چیست.

انترناسیونال: مجموعه افراد مختلفی برای صحبت در این کنفرانس دعوت شدند از ریچارد داوکینز، آنتیست مشهور، تا حمید تقوایی، لیبر حزب کمونیست کارگری ایران. وقتی راجع به شرکت‌کنندگان تصمیم می‌گرفتید هدف‌تان چه بود؟
مریم نمازی: می‌خواستیم در واقع به مردم بگویم که جور دیگری هم می‌شود به اوضاع نگاه کرد. رسانه‌های اصلی یا راست‌گرایان را نشان می‌دهند که ضدانسانی و ضدمهاجر هستند و یا چپ ناسیونالیستی اروپا که حامی اسلام سیاسی است. عموم مردم کلافه‌اند چون به پاسخ کاملی نیاز دارند اما آن را نه از هیچ کدام از این دو طرف می‌گیرند و نه از سیاست‌های دول غرب که مماشات و نسبیت فرهنگی است.

چیزی که در پاسخ‌های مردم برای من از همه جالبتر بود احترامی بود که به کسانی می‌گذاشتند که آنها کمونیست‌های ایرانی می‌نامیدند. همه از نقش محوری کمونیسم کارگری باخبر بودند و آن را می‌شناختند. در واقع انسانیت عمیق کمونیسم کارگری به قدری از آن چه مردم به آن عادت دارند متفاوت است که تمایزش در تمام کارهای ما به سرعت نمایان می‌شود - از حقوق پناهنده‌ها و حقوق زنان تا شورای اکس مسلم.

در پایان اسلام سیاسی برای مردم مهم است چون بر زندگی‌شان، حقوق‌شان و آزادی‌هایشان تاثیر می‌گذارد. و به همین علت تنها جنبشی که مردم را مقدم میدانند می‌تواند نیروی لازم برای متوقف کردن اسلام سیاسی را بسپارد. من قاطعانه باور دارم که ما نماینده اکثریتیم و کنفرانس‌های پراهمیتی مثل این به ما امکان می‌دهد که در مقیاس وسیع انسانها را مخاطب قرار دهیم که در حالت

تبدیل شده است. واقعیت این است که حقوق کودک يك معیار مهم در انسانی بودن جامعه است. اگر قبلاً میگفتند آزادی زن معیار آزادی جامعه است اکنون باید گفت حقوق کودک يك معیار مهم جامعه انسانی است. به هر نسبتی که جامعه انسانی تر باشد به همان نسبت حقوق کودک رعایت میشود. کودکان تنها سرمایه های آینده جامعه و نسل فعلی نیستند بلکه کودکان انسانهای کوچکی هستند که نمیتوانند از حق خود دفاع کنند و این وظیفه جامعه، دولت، قانون و بزرگسالان است که این حق را نه تنها رعایت کنند بلکه در سرلوحه انسانی بودن خود و جامعه قرار دهند. خوشبختانه جامعه ایران به لطف تحولات سیاسی و فرهنگی مهمی که در چند سال اخیر در آن اتفاق افتاده است اکنون یکی از جوامع پیشرو و مدافع حقوق کودک محسوب میشود. اما همین جامعه با حکومتی به شدت ضد انسان و ضد کودک اداره میشود و تناقض مردم و جامعه با دولت و حاکمین از همینجا آغاز میشود. تناقض و ضدیت خواست و سیاست حاکمان با خواست و نیاز جامعه و انسانهای متمم و مدرن در برخورد به کودکان هم بسیار برجسته خودنمایی میکند.

اگر این تصویر را بپذیریم شاخصهای برجسته فستیوالهای دفاع از حقوق کودکان را میتوان در تلاش ارزشمند فعالین این عرصه و بخش قابل توجهی از مردم در دفاع از حقوق کودک دید. برای مثال در هیچ جامعه ای مراسمها و فستیوالها و جشنهای روز جهانی کودک و مناسبتهای مشابه قابل مقایسه با ایران نیستند. در ایران جنبش دفاع از حقوق کودک يك جنبش چپ، انسانی و مدرن است که ناچار است خود را در تقابل با سیستم حاکم و حکومت تعریف کند. جنبش دفاع از حقوق کودک در ایران يك جنبش اعتراضی است. جنبش دفاع از حقوق کودک يك بخش مهم از جنبش سوسیالیستی است. زیرا خواست و مطالبات جامعه در دفاع از حقوق کودکان از جانب يك جنبش چپ و کمونیستی طرح و برجسته شده است و کمونیسم کارگری بانی و مبتکر این تحرك در ایران بوده است.

در جامعه ایران بیهقوی کودک

مناسبت روز جهانی کودک و برای رسیدن به زندگی انسانی کودکان برگزار شده اند. ربط مبارزه برای حقوق کودکان به مبارزه برای حقوق همه مردم در ایران چیست؟

محمد آستگران: همچنانکه بالاتر اشاره کردم معیار انسانی بودن يك جامعه به رعایت حقوق کودکان گره خورده است. اگر در جامعه ای حقوق مردم زیر پا گذاشته میشود به طریق اولی حقوق کودکان بیشتر پایمال میشود. کودکان اولین قربانیان يك جامعه غیر انسانی هستند. جنبش دفاع از حقوق کودک یکی از جنبشهای مترقی و مدرن در جامعه است که برای احقاق حقوق مردمانی تلاش میکند که خود راسا نمیتوانند از خود دفاع کنند. این بخشی از مردم جامعه که کودکان باشند همیشه نه تنها از جانب دولت و قانون بلکه از جانب فرهنگ و سنت و مذهب خانواده ها و فرهنگ حاکم بر جامعه هم تحت فشار بوده اند. کودکان بخشی از همان مردم هستند و ربط این جنبش با دیگر جنبشهای مترقی و اجتماعی همین است که بیهقوی اینها بسیار بیشتر از بیهقوی بزرگسالان در جامعه نمایان است. اما علاوه بر این به طور معمول اکنون کودکان در خانواده ها و با سرپرستی والدین و وابستگان بزرگ میشوند. در جامعه ایران دولت و قانون مسئولیتی در قبال کودکان به عهده نگرفته است. نه تنها این بلکه علیه کودک و حقوقشان است.

بیهقوی بزرگسالان از همان دوران جنینی بیهقوی را به کودکان سرایت میدهد. کودکانی که در خانواده های کم درآمد بزرگ میشوند از همان دوران جنینی با فقر و نداری این خانواده ها همراه و شریک میشوند. در حالیکه هیچ کودکی خود انتخاب نمیکند و نمیتوانند انتخاب کند که در چه خانواده ای متولد بشود. بدون اینکه خود تقصیری در این انتخاب داشته باشند کودکان این خانواده ها که اکثریت بالایی از جمعیت را تشکیل میدهند در این فقر و محرومیت مجبورند سهیم شوند. این جبر يك جبر طبقاتی است. بسته به اینکه در کدام خانواده متولد شده باشید حقوق تو به عنوان يك کودک به اندازه حقوق افراد همان خانواده است. تازه این تعریف وقتی درست است که در خانواده تفاوتی و تبعیضی وجود نداشته باشد. در حالیکه در همه خانواده ها

به نسبت فرهنگ حاکم و سنتهای رایج بطور معمول کودکان از حقوق کمتری برخوردار هستند.

اگر این تصویر واقعی است محرومیت و بی حقوقی کودکان هم به همان اندازه واقعی است. بنابر این جنبش برای رهایی کل جامعه به همان اندازه مربوط به جنبش برای رهایی کودکان از بی حقوقی است. بنابر این ربط جنبش دفاع از حقوق کودک به دیگر جنبشهای اجتماعی يك ارتباط واقعی و طبقاتی است. دلبخواهی و یا تصمیم این یا آن فرد خیر خواه و یا انقلابی نیست. زیرا این يك نیاز و ارتباط ارگانیک است. نیاز جامعه برای پیشروی و رهایی از بیحقوقیهای فعلی، ارتباط جنبش برای دفاع از حقوق کودکان با جنبشهای دیگر را به امری غیر قابل انکار و اجتناب ناپذیر تبدیل میکند. جنبش کارگری و جنبش دفاع از حقوق برابری زن و مرد و جنبش دفاع از حقوق کودکان و ... همگی بخشهای متنوعی از يك جنبش عمومیتری هستند تحت عنوان جنبش برای رهایی کل جامعه از قید و بندها و نابرابریهای جامعه طبقاتی.

انترناسیونال: این فستیوالها در دوره احمدی نژاد که قرار بود جامعه را به خفقان چند سال بعد از انقلاب ۵۷ برگرداند و مخصوصاً بعد از تعرض حکومت اسلامی به دانشجویان و دستگیری وسیع دانشجویان چپ برگزار میشوند. با این حساب معنای سیاسی این فستیوالها برای جامعه ایران چیست؟

محمد آستگران: این فستیوالها قدرتمند بودن و پویا بودن جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی را يك بار دیگر فریاد زدند. این يك جنبش است. بخشی از جنبش سرنگونی طلبی در ایران است. به دلایل سیاسی و تاریخی در مقابل رژیم اسلامی محکم ایستاده است. این جنبش برای پیروزی بر جمهوری اسلامی میجنگد. حتما کسانی که نا امید شده بودند و پرچم سفید بالا برده بودند که گویا جنبش سرنگونی شکست خورده است و ... دوباره به اصلاح و یا توجیه تئوریهایی خود مبادرت میکنند. کسانی که با هر بادی به لرزه میفتند و دنیا را تاریک میبینند، طبعاً با هر گشایشی هم ممکن است به هیجان بیایند. جریاناتی که آمرشان به تصمیمات

احمدی نژاد و دیگر سرکوبگران رژیم اسلامی وصل است با شدت و ضعف موقعیت سرکوبگران امپراتور اینها هم بالا و پایین میشود. اما برای حزبی مثل حزب ما که در شکل دادن و هدایت این جنبش نقش اساسی بازی کرده است و از چم و خم آن مطلع است تحلیل تازه ای را نمیتواند. جنبش دفاع از حقوق کودکان مثل دیگر جنبشهای انقلابی در ایران راه خود را رفته و در مقطع کنونی يك بار دیگر اوج گرفته است. ممکن است تا مدت دیگری ما شاهد بروز علنی این جنبش نباشیم. اما این به آن معنا نیست که وجود ندارد و یا به قول شکست طلبان "شکست خورده است". جنبشهای اجتماعی قرار نیست هر روزه در خیابان به ابراز وجود علنی بپردازند. اعتراض به وضع موجود و تصمیم برای تغییر در جهت رهایی کل جامعه امری تعطیل ناپذیر است. اما الزاماً امری آکسیونی و هر روزه فعالیت برای آکسیون نیست.

جامعه ایران در تب و تاب آزادی و رهایی میسوزد. با احمدی نژاد و یا بدون چنین قاتلی نمیتواند راهش را کج کند. نیاز به رهایی و درجه ای از آگاهی و رواج انسانگرایی که در جامعه وجود دارد نمیتواند آرام بگیرد. جنبش برای رهایی جامعه از قید و بند سیستم حاکم يك جنبش زنده و پایه دار است. ساخته تفکر این یا آن جریان نیست. يك جنبش اجتماعی و طبقاتی است. به همین دلیل تابع قوانین مخصوص به خود است. ممکن است افت و خیزهای معینی را در این جنبش مشاهده کنیم اما این جنبش از سالها قبل تا کنون سیر بالندگی خود برای رهایی را طی میکند و به یمن وجود حزبی مثل حزب کمونیست کارگری ایران قاطعتر و روشنتر از همیشه در حال طی کردن این مسیر است.

انترناسیونال: آیا میتوان گفت این فستیوالها نشانگر تغییر توازن قوا به نفع مبارزه آزادیخواهان و برابری طلبانه است؟

محمد آستگران: قطعاً اینطور است. هنگامیکه چندین هزار نفر در شهرهای مختلف ایران با پرچم دفاع از حقوق کودک، در مخالفت با قومپرستی و اعلام کردن جهانشمالی

جمعه گذشته، ۱۰ اکتبر، مصادف با روز جهانی علیه اعدام بود

در این روز در آلمان سوئد و سوئیس و کانادا برنامه هایی برگزار شد که اینجا گزارش آنها را ملاحظه می کنید:



اشاره کرد و در مورد نتایج این تماس ها از جمله نامه های اعتراضی و محکوم کردن احکام اعدام و سنگسار توسط جمهوری اسلامی صحبت کرد. وی در مورد اقدامات در دست انجام و برنامه های کمیته توضیح داد و ضمن دادن اطلاعاتی در مورد نحوه همکاری با این کمیته به حاضرین فراخوان همکاری و پیوستن به صف فعالین جنبش علیه اعدام را داد. سخنرانان در سخنان خود به در مورد اهمیت فعالیت برای لغو احکام اعدام و بویژه نجات جان زندانیان سیاسی از جمله فرزاد کمانگر تاکید کردند.

در ادامه مراسم سینا شهبازی هنرمند جوان و فعال کمیته علیه اعدام،



پس از شرح کوتاهی از تجربیات خود از "بند مجرد"، جایی که محکوم به اعدام آخرین روزهای زندگی را در آن می گذرانند، با خواندن چند آهنگ زیبا به این مراسم شور خاصی بخشید. بخش پایانی مراسم به طرح سوالات و نظرات شرکت کنندگان اختصاص داشت که همگی بر ضرورت فعالیت هر چه بیشتر علیه اعدام و افشای جنایات جمهوری اسلامی و همچنین فعالیت برای لغو حکم اعدام فرزاد کمانگر تاکید داشتند. در بحث های مطرح شده در این گفت و شنود تاکید شد که مجازات اعدام نه تنها جرائم را در جامعه کاهش نمی دهد بلکه به خشونت و وحشیگری رسمیت بخشیده آن را ترویج می دهد.



صحنه های اعدام جمهوری اسلامی ترتیب داده شده بود که توجه بسیاری را به خود جلب کرد. در میان عکسها، عکسی از "جوهیل" کارگر و ترانه سرای انقلابی که در آمریکا اعدام شد، به چشم می خورد. مراسم با سخنرانی سوئدی حسن صالحی عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران آغاز شد. او در سخنانش در مورد احکام اعدام در سراسر دنیا اشاره کرد و بر این موضوع تاکید گذاشت که اعدام قتل عمد دولتی ظالمانه، ناعادلانه، وحشیانه و قرون وسطایی است و مجازات اعدام باید در همه جا فوراً لغو شود. وی گفت که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی دهها هزار نفر تا امروز اعدام شده اند و نفرت عمیق و عظیمی در ایران علیه این اعدامها در جریان است. حسن صالحی تاکید کرد در چند سال گذشته مبارزه علیه اعدام در ایران قدرت و وسعت بیشتری گرفته و یکی از جنبه های مبارزه مردم با حکومت اسلامی بوده است. و در پایان اظهار امیدواری کرد که مناسبت روز جهانی علیه اعدام بتواند جنبه حیات و انسانیت را برای لغو تمام و کمال مجازات اعدام هر چه بیشتر تقویت کند. سخنرانی حسن صالحی که در چند نوبت انجام گرفت با تشویق مردم حاضر در محل مواجه شد.

بعد از شنیدن چند ترانه، فریده آرمان عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری و مسئول کمیته دفاع از حقوق زنان در مالمو به ایراد سخنرانی پرداخت. او در ابتدای صحبتش با اشاره به دو عکسی که در میان عکسها نمایشگاه بود گفت اینها عکسی از همسر اول مهدی میرشاه زاده وهمسر دوم غلام کشاورز است که هر دو توسط مزدوران رژیم اسلامی اعدام و کشته شده اند. "جرم آنها این بوده که برای بوجود آوردن جامعه ای انسانی و برای آزادی تلاش می کردند. وقتی دولتی این حق را داشته باشد که کسی را اعدام کند. آنوقت به هر بهانه ای دست به اعدام افراد

توسط فرشید قاسم پور خوانده شد و متن آن در میان مردم توزیع گردید. در بخش پایانی تظاهرات احمد مام محمدی اعلام کرد که متأسفانه در سال گذشته ۳۵۵ نفر توسط دستگاههای قضایی و سرکوبگر جمهوری اسلامی اعدام شده اند. در همین رابطه و در بخش پایانی برنامه قطعه نامه ای نیز از جانب فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در محکومیت جمهوری اسلامی و احکام اعدام، توسط محمد علی بختیاری خوانده شد و به تائید تظاهرکنندگان رسید.

سوئد- مالمو- به مناسبت روز جهانی علیه اعدام روز ۱۰ اکتبر تظاهرات ایستاده ای در یکی از مراکز اصلی شهر مالمو برگزار گردید. مراسم از ساعت ۴ بعد از ظهر در میدان



گوستاو آدولف شروع شد. در محل تظاهرات بر روی پارچه بزرگی به انگلیسی نوشته شده بود "اعدام را در سراسر جهان متوقف کنید" و بر روی پلاکارد دیگری نوشته شده بود که جمهوری اسلامی را باید به خاطر جنایت علیه بشریت و برقراری حکومت اعدام، شکنجه و زندان از مجامع بین المللی اخراج کرد! در پلاکارد دیگری عکس فرزاد کمانگر قرار داشت که در کنار آن نوشته شده بود: "معلم مبارز محکوم به اعدام در ایران. جان او را نجات دهید". در این محل نمایشگاه عکسی از

سوئیس- ژنو- روز جمعه ۱۰ اکتبر به مناسبت روز جهانی علیه اعدام به فراخوان فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد سوئیس، تظاهراتی در مقابل مقر سازمان ملل در ژنو برگزار گردید.

در ابتدا احمد مام محمدی دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در سوئیس ضمن خوش آمد به حاضرین نکاتی را در مورد نقض حقوق بشر در ایران بیان کرد و اظهار داشت که در ایران نه تنها جوانان اعدام می شوند بلکه جمهوری اسلامی در بسیاری موارد به کودکان و افراد زیر سن قانونی هم رحم نکرده است و تاکنون دهها کودک را به جوخه اعدام سپرده است. وی در ادامه صحبتهای خود گفت: مجازات اعدام نشان از نهایت بی احترامی و ننگ بشریت در قرن ۲۱ است و کارنامه جمهوری اسلامی در ۳۰ سال گذشته جز جنایت علیه مردم ایران چیز دیگری در بر نداشته است. احمد مام محمدی تاکید کرد که اعتراض و برپایی تظاهرات در مقابل سازمان ملل و دیگر سازمانهای دفاع از حقوق بشر باید در سطح بین المللی ادامه پیدا کند تا جمهوری اسلامی را به دلیل جنایت علیه بشریت محکوم

کنند. سپس تظاهرکنندگان با سر دادن شعار مرگ بر جمهوری اسلامی خواستار لغو حکم اعدام فرزاد کمانگر و الغای مجازات اعدام در ایران و جامعه جهانی شدند. در ادامه گردهمایی، عبدالله مهملی نژاد از طرف حزب کمونیست کارگری ایران پیامی را قرائت کرد و خواستار محکومیت جمهوری اسلامی از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل و اخراج جمهوری اسلامی از مجامع بین المللی شد. در این تظاهرات پیامی نیز از جانب دوستداران فدراسیون

لاریجانی یکی از مهره های اصلی سه دهه جنایت جمهوری اسلامی باید دستگیر و محاکمه شود!

است، فقر و نداری و کوه دیگری از مصائب را به مردم ایران تحمیل نموده و ۳۰ سال نسل کشی و خفقان را بر ایران حاکم کرده است. این رژیم با اعدام دهها هزار نفره آزادیخواهان و کمونیستها، با گورهای دسته جمعی و بی نام و نشان، با غیر قانونی کردن تمام احزاب مخالف نظام و ممنوع کردن تمام نشریات آزاد، با آپارتاید جنسی، با ممنوعیت و درهم کوبیدن تشکلهای کارگری و سرکوب اعتراضات کارگری، دانشجویی و مبارزات زنان و با لشکرکشی و آدم کشی هایش در کردستان تداعی می شود.

لاریجانی و نمایندگان چنین رژیم منفوری باید به جرم جنایت علیه بشریت دستگیر و محاکمه شوند.

ما همه مردم آزادیخواه دنیا را به اعتراض گسترده علیه حضور سران و رهبران جمهوری اسلامی در خارج کشور فرامی خوانیم.

تشکیلات خارج کشور

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ اکتبر ۲۰۰۸

ایران منصوب شد و تا سال ۱۳۸۳ به مدت ده سال مدیریت این سازمان تبلیغاتی دروغ، جهل و خرافه مذهبی را به عهده داشت. وی به منظور گسترش تبلیغات سیاسی جمهوری اسلامی اقدام به گسترش شبکه رادیو تلویزیونی جمهوری اسلامی کرد و شبکه های بین المللی متعددی در جهت تقویت اسلامی سیاسی در خارج و تبلیغ و حمایت از دستجات تروریستی اسلامی ایجاد نمود.

لاریجانی همچنین به عنوان نماینده خامنه ای در شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی فعالیت داشته است و از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۸۶ دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی و مذاکره کننده ارشد هسته ای این رژیم بود. وی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و همچنین عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و با همان نهاد سانسور رژیم اسلامی است.

لاریجانی نماینده و یکی از عوامل اصلی رژیمی است که يك جامعه ۷۰ میلیونی را بند کشیده

اختناق و تشبیت جمهوری اسلامی داشت.

طی سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰ علی لاریجانی در سمت های معاونت وزارت کار و امور اجتماعی، به سرکوب گسترده تر کارگران و تشکل ها و رهبران کارگری دست زده و از افراد موثر در تصویب قانون ارتجاعی کار جمهوری اسلامی بود. وی همچنین در این مدت معاونت وزارت پست و تلگراف و تلفن، معاونت وزارت سپاه و جانشین ستاد کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را نیز بعهده داشت. لاریجانی در دوران مسئولیتش به ویژه در سپاه پاسداران، نقش مهمی در ادامه سرکوب ها و به ویژه کشتار زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ داشت.

او در سال ۱۳۷۰ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بود و در واقع وظیفه سانسور وسیع و گسترده در عرصه های مختلف هنری ادبی و رسانه ای را بعهده داشت.

در سال ۱۳۷۳ با حکم خامنه ای مجدداً بعنوان رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی

اجتماعی و منجمله صاحبان سایتهای اینترنتی که مروج بی دینی هستند از جمله آخرین طرحهای جنایتکارانه لاریجانی بوده است که همین ۳ ماه پیش تصویب شده است. لاریجانی یکی از شخصیت های نفرت انگیز جمهوری اسلامی است.

در روز ۹ اکتبر ۲۰۰۸ لاریجانی قصد داشت در دانشگاه شیراز سخنرانی کند. اما دانشجویان معترض و آزادیخواه در شیراز به حضور لاریجانی اعتراض کردند.

لاریجانی به عنوان یکی از عاملین جنایت و کشتار جمهوری اسلامی علیه بشریت باید دستگیر و محاکمه شود. بخشی از کارنامه لاریجانی به قرار زیر است:

در سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۱ رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی بود. این دوران پرتلاطم ترین دوران انقلاب و دوران رشد و گسترش بیسابقه سرکوب مخالفین جمهوری اسلامی بود. صدا و سیما در این دوره کاملاً در خدمت این امر سازماندهی شده بود. این سازمان نقش بسیار تعیین کننده ای در گسترش سرکوب ها و ایجاد

بر اساس گزارشات خبری، علی لاریجانی رئیس مجلس رژیم اسلامی روز دوشنبه ۱۲ اکتبر برای شرکت در یکصد و نوزدهمین اجلاس اتحادیه بین المجالس وارد ژنو شد. لاریجانی که بنا به دعوت رئیس اتحادیه بین المجالس در اجلاس مذکور شرکت خواهد کرد، درحاشیه این اجلاس همچنین با روسای مجالس دیگر کشورها دیدار و گفتگو خواهد داشت وی پس از شرکت در اجلاس اتحادیه بین المجالس به منظور دیدار با مقامات فنلاندی عازم این کشور خواهد شد.

لاریجانی یکی از مهره های مهم و عضوی موثر در هیئت حاکمه جمهوری اسلامی است که در سه دهه ایجاد فضای سرکوب و اختناق و شکنجه و اعدام دهها هزار نفر مستقیم یا غیر مستقیم شرکت داشته است. علی لاریجانی یکی از نزدیکان و منصوبان خامنه ای در شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی (هسته اصلی سیاستگذاری و اجرای سرکوب مخالفان جمهوری اسلامی) بوده است. تصویب طرح مجازات اعدام برای اخلاص در امور

از: کمیته همبستگی بین المللی کارگری

به: فدراسیون جهانی حمل و نقل (آی.تی.اف)

کمیته همبستگی بین المللی کارگری از فراخوان فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل در همبستگی با خواستهای کارگران بخش حمل و نقل جهان و در حمایت از مبارزات کارگران ایران استقبال میکند

بخش های مختلف جامعه و رفع محکومیت از همه کسانی هستیم که بدلیل پیگیری خواستهای انسانی خود از سوی سازمانهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی برایشان پرونده سازی شده است.

۴- حق تشکل، حق اعتصاب و آزادی بیان و تظاهرات، حقوق پایه ای کارگران و همه مردم است و جمهوری اسلامی باید ملزم به رعایت این حقوق انسانی شود.

شهلا دانشفر

هماهنگ کننده کمیته همبستگی بین المللی کارگری (WPI)

بهرام سروش - روابط عمومی

۱۳ اکتبر ۲۰۰۸ - ۲۲ مهر ۱۳۸

گامی مهم در تقویت جنبش اعتراضی کارگران و مردم ایران است. از همین رو ما از اقدام بین المللی شما در همبستگی با کارگران ایران با تمام قوا استقبال میکنیم و بر خواستهای زیر تاکید داریم:

۱- آزادی فوری و بدون قید و شرط منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت واحد و همه زندانیان سیاسی از زندان.

۲- ما خواهان اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و تمامی نهادهای بین المللی در سطحی جهانی هستیم.

۳- ما خواهان توقف فشار و تهدید بر روی فعالین کارگری، معلمان، زنان و رهبران اعتراضی

خواستههای مشترکی مبارزات بخش های مختلف جامعه را به هم پیوند میدهد. میدانید که کارگران در ایران از پایه ای ترین حقوق خود حق تشکل و حق اعتصاب محرومند. میدانید که بیش از يك میلیون کارگر در ایران با معضل دستمزدهای پرداخت نشده روبرویند و بیش از ۸۰ درصد کارگران، بصورت قراردادهای موقت و بعضاً سفید امضا به کار اشتغال دارند. میدانید که فعالین و رهبران اعتراضی کارگری و دیگر بخش های جامعه در ایران همواره زیر فشار و تهدید رژیم اسلامی قرار دارند.

ر چنین شرایطی کارگران و مردم ایران بیش از هر وقت به حمایت بین المللی کارگری و انسانهای آزادیخواه نیاز دارند و این اقدام شما بدون شك

بین المللی با کارگران ایران قدرانی میکند.

کمیته همبستگی بین المللی کارگری در عین حال خود را در این اقدام جهانی شما بعنوان تلاشی برای بهبود فوری وضعیت کارگران حمل و نقل در جهان، در کنار شما میدانند و به سهم خود در تظاهرات و تجمعات اعلام شده از سوی شما به این مناسبت شرکت خواهد داشت. ما در همانحال از همه کارگران و انسانهای آزادیخواه در ایران و در سراسر جهان میخواهیم که وسیعاً به این کارزار جهانی بپیوندند.

دوستان!

امروز در ایران همه بخش های جامعه در اعتراض و مبارزه بسر میبرند و

دوستان عزیز!

از حرکت شما مبنی بر برگزاری هفته اقدام حمل و نقل جاده ای (۱۳ تا ۱۹ اکتبر - ۲۲ تا ۲۸ مهر) که به منظور بهبود وضعیت کارگران این بخش و همچنین به نشانه همبستگی با کارگران ایران و برای آزادی فوری و بدون قید و شرط منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت واحد از زندان در دستور گذاشته اید، استقبال میکنیم. حمایتهای تا کنونی جهانی یک نقطه اتکا مهم برای کارگران و مردم ایران در مبارزه علیه رژیم اسلامی بوده است. کمیته همبستگی بین المللی کارگری، صمیمانه از تلاشهای تا کنونی شما در این جهت و این آخرین فراخوان شما به يك همبستگی

صدای مردم در کانال جدید

"آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه"

برنامه ای از کاظم نیکخواه

مردم دیگر حزب خودشان را دارند سلام و درود میفرستیم به حزب کمونیست کارگری ایران. ما که داریم در ایران زندگی میکنیم هیچ نوع آزادی برای کارگران و جوانان و زنان و دانشجویان و معلمان و اکثریت مردم نمی بینیم و تنها نیرویی هم که از آزادی بی قید و شرط صحبت کرده، همین حزب بوده و مردم هم که دارند با تمامی این بدبختی هایی که تحمیل شده زندگی میکنند و ... نمیتوانند حرفشان را بزنند چراکه رژیم از آزادی بیان و ابراز نظرات مردم بشدت می ترسد و برای جلوگیری از این ابراز وجود مردم هم از هیچ نوع تهدید و اخراج و دستگیری و زندان و شکنجه و فشاری کم نمیآورد. اما حالا خوشبختانه همین مردم میتوانند تمامی خواسته هایشان را از طریق این کانال بیان کنند و حالا دیگر حزب خودشان را دارند و مردم بکسک این حزب روز بروز دارند بیشتر درک میکنند که بدون این حزب به هیچ نوع آزادی انسانی نمیتوانند برسند و زندگیشان را بهبود بخشند... فقط با اتحاد و جمع شدن دور این حزب است که میتوانند از شر این رژیم خلاص شوند و با شوراها کارگری و دانشجویی و معلمی و شوراها شهروندی یک جامعه انسانی و برابر و سوسیالیستی را برقرار کنند. پیام من به مردم اینست که ما باید این حزب را که حزب خودمان است با کسک های مالی و با نظرات و فعالیت هایمان تقویت و محکمتر بکنیم تا جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم. درود به همه شما.

زنی از ایران

مردم کوتاه نیامده اند

سلام آقای نیکخواه. سرمایهی الله با سیاستهای ارتجاعی و مذهبی خودش آزادی نفس کشیدن را از مردم گرفته ولی مردم هم همواره برای گرفتن حقوق انسانی و کار و نان و آزادی اندیشه شان کوتاه نیامده اند و

رژیم هم نتوانسته با اینهمه زندان و شکنجه و اعدام از مبارزات بحق مردم جلوگیری کند بلکه اتفاقا مردم روز بروز محکمتر و متحدتر مبارزه می کنند و امیدوارم با کمک این حزب و این کانال متحدتر و متشککتر پیش برویم و و با سرنگونی این رژیم برقراری آزادی را جشن بگیریم.

مردی از سنندج

در افغانستان، امنیت نیست با سلام به شما. من از افغانستان هستم. اول میگویم کارگران جهان متحد شوید. در افغانستان هیچ آزادی و امنیت واقعی وجود ندارد در صورتی که نیروهای غربی و امریکایی در افغانستان حضور دارند و در رسانه های خودشان هم ادعا میکنند که در اینجا امنیت و آزادی هست در صورتی که هرکسی مخالف دولت حرف بزند فوراً محکوم می شود و زندانی می شود. خواستم زنگ بزنم و این اخبار واقعی را برای شما برسانم. با امید به پیروزی سوسیالیسم در جهان.

مردی از افغانستان

شناسنامه نمی خواهم، رای به جمهوری اسلامی نمی خواهم

سلام و خسته نباشید. ما برنامه های شما را خیلی دوست داریم ولی در جمهوری اسلامی ظلم زیادی میبینیم و اینها بجز خودشان و مزدوران خودشان بفرم مردم فقیر و زحمتکش ایران نیستند و به کارگر و همه خیلی زور میگویند. شوهر من کارگر هست و صد و پنجاه هزار تومان مزد میگیرد حالا دیگر فکر نمی کنند که با کرایه خانه و خرج های دیگر چه جوری با این پول زندگی کند؟ باور کنید دیگر پولی نمی ماند که برای بچه بیسکویی هم بگیریم و یا برایمان خیلی سخت شده که یک خوردنی کوچکی برای مدرسه بچه فراهم کنیم. تازه آنها با این وضعی که شوهرم ۵ روز کار میکند و ۱۰ روز توی خانه می نشیند. مردم ایران بخاطر چی معتاد میشوند؟! من تا به شوهرم بگیرم که هیچ چی داریم بخوریم عصبانی می شود. خب او چکار کند؟ تمام تلاشش را میکند و این دولت است که کاری برای مردم نمیکند. شناسنامه من گم شده و

می برم دخترم را ثبت نام کنم میگویند به ما ربطی ندارد که شناسنامه ندارد، برو تهیه کن و ۳۵ هزار تومان هم بیاور تا ثبت نام کنیم و وقتی میروم شناسنامه تهیه کنم میگویند ۵۰ هزار تومان بده تا آماده کنیم؛ خب با این وضع کار و زندگی و با این حقوق که برای خریدن نان شب مان که هر دانه نان صد و بیست تومان شده آنوقت برای ۴ شناسنامه چه جوری پول تهیه کنم؟! مردم را فریب میدهند و ۱۰ هزار تومان کمک می کنند اما از آنطرف با گرانی بنزین صد هزار تومان خرج زندگی را میرند بالا. اصلاً شناسنامه هم نمیخواهم. رای دادن به جمهوری اسلامی هم نمیخواهم. ماه رمضان آمد و رفت اما یک کیلو نتوانستیم برنج بخوریم.

زنی از ایران

از قدرت پایین تان می کشیم سلام بشما روزتان خوش. زنگ زد که بگویم درد این خانم و مادر جوانی که هیچ ادعای روشنفکری هم نداشت و اینجور روشن از بدبختی هایش میگفت بخورد توی سر هرچه اطلاعاتی مزدوری که دورهم نشستند در اتاق و دفتر مزدوریشان و دارند خطها را اشغال میکنند و می آیند و از رژیم پوسیده شان دفاع می کنند که البته الان دیگر همه طرفداران این برنامه صدای اینها را می شناسند و آن دوستان قبلی هم بدرستی گفتند که بدون سرنگونی این رژیم نمیتوانیم حتی به کوچکترین آزادی و حقوق انسانی برسیم. مطمئن باشید بزودی همه تان را از قدرت پایین خواهیم کشید.

زنی از ایران

ما فقط همین کانال را داریم

سلام آقا کاظم. من میگویم آنهایی که از جمهوری اسلامی دفاع میکنند یکطرف باشند و ما هم یکطرف باشیم و ما از این حالت استقبال میکنیم. آنها همه آزادی را دارند و برای ما هم فقط مواد مخدر را آزاد گذاشته اند و آن را نمی خواهیم و ما هم فقط همین کانال جدید را داریم.

مردی از کاشان

به این کانال پناه آورده ام سلام آقای کاظم نیکخواه. خسته نباشید. ما در ایران از آزادی هیچ چیز نداریم. از وزیر کشور این رژیم که آقای کردان باشد و مدارک و رای گیری هایی که قلبی باشد چه

انتظاری باید داشته باشیم! اینها با ریش و پشم آمدند و چپاول کردند و الان میلیاردر شده اند و در اینطرف هم مردم را میبینیم که چه مشکلات بزرگی را تحمل میکنند و جوانان شان چه جوری معتاد شده اند و نابود می شوند. ... من با روزنامه ها و تلویزیون رژیم ۴ سال است که کاری ندارم و به رادیو های خارجی و تازگی ها هم به این کانال پناه آورده ام.

مردی از ایران

این رژیم را باید انداخت

سلام. رژیمی که نماینده اش صد میلیون بگیرد و کارگش در دست هزار را هم نتواند بگیرد، باید انداخت.

مردی از ایران

مسلمانم ولی رژیم آزاد و برابر می خواهم سلام به شما. به نمایندگان مجلس این آیت الله های میلیاردر فقط یک فقره صد میلیون می دهند ولی مردم در خریدن یک حلب روغن هم مشکل دارند. من خودم مسلمانم ولی خواهان رژیم آزاد و برابر هستم و هرکسی هم به دین و آیین شخصی خودش باشد. زنده باشید.

مردی از ایران

این حکومت را نمی شود تحمل کرد

سلام آقای نیکخواه. این حکومت با نماز جمعه و رهبرش که دو متر امامه و سه متر شال چفیه دارد و همه اش الله اکبر میگوید و بفرم تروریستهای فلسطین و لبنان و عراق است ولی ۹۰ درصد مردم خودشان از هزار درد بی درمانی تلف می شوند. این حکومت را دیگر نمیشود تحمل کرد.

مردی از ایران

حزب، محور اتحاد

مردم برای سرنگونی

جمهوری اسلامی

برنامه ای از اصغر کریمی

فقط همین حزب

سلام آقای کریمی. اینکه شما میگویید به حزب نیاز داریم تا بتوانیم از شر این رژیم خلاص شویم نکته مهم و خوبی است و جامعه هم واقعا و کاملاً به آن احتیاج دارد ولی مشکلی که هست باید یک مقدار اطلاعات عموم مردم یعنی بخش کارگر و کارمند و نه باسوادان و

آگاهان سیاسی را بالا برد. مردم می ترسند ولی علتش هم اینست که اطلاعات کافی در رابطه با حزب شان ندارند. مردم به راهنمایی و آگاهی و کتاب و خواندن برنامه و اهداف حزب نیاز دارند که در دسترس شان باشد و بخوانند و گرنه مردم خوب میدانند که ریشه انسانیت در جامعه ما در حال کنده شدن و نابودی است و همه مردم زحمتکش همه اش بفرم یک لقمه نان از صبح تا شب می دهند و هیچ تفکر قابل تکیه و امیدی در بین مردم نیست و هرچه هست عقب گرد است... بجز همین حزب کمونیست کارگری. هیچ حرکتی بطرف انسانیت و دوستی و اتحاد و ساختن جامعه ای آباد و آزاد نیست بجز همین تفکر و همین حزب و همین کانال جدید. در

بین مردم کسی هم که حرکتی می کند از فردایش می ترسد چراکه رژیم با حققان و سرکوبش مردم را در این ۳۰ سال بدجوری ترسانده لذا مردم به حزب خیلی نیاز دارند. ولی به مردم باید آگاهی بیشتری داد و جراتشان را باید بالا برد. من خیلی وقت هست که به برنامه ها نگاه میکنم و مردم اطراف من هم کم و بیش نگاه میکنند و هر وقت که موجهی میاید و ماهواره ها را جمع می کنند و تمام میشود دوباره مردم تهیه میکنند و نگاه می کنند. من شماره تماس می خواهم که کمک مالی هایمان را برسانیم. موفق باشید.

مردی از ایران

حزب باید حزب مردم شود

سلام آقای کریمی. حرفهایی که شما میزنید کاملاً حرفهای مردم است ولی مشکل اینست که چه جوری حزب بتواند حزب مردم شود و بنظر من این نکته ضعف جامعه است و باید رویش بیشتر کار کرد.

مردی از ایران

مردم از همه مهمترند

خسته نباشید. بنظر من مردم از همه مهم ترند و هر حزبی که مردم را پشت سر خودش نداشته باشد هیچ پیشرفتی نمیتواند داشته باشد ولی هر حزبی که برای آزادی و رفاه مردم کاری بکند مطمئناً مردم با آن حزب می آیند و آن حزب موفق است حالا با هر اسم و رسمی که باشد. فقط امیدوارم که طوری مردم را راهنمایی کنید که یکدفعه نریزند بیرون و

یکدفعه سرکوب و نابود نشوند. مردی از ایران

این کانال را برپا نگاه داریم سلام آقای کریمی. اگر به تاریخ ایران نگاه کنیم می بینیم کارگران و زحمتکشان همیشه مورد سرکوب رژیمهای مختلف بوده اند و حزبهای زیادی هم بوده اند ولی هیچوقت برای آزادی و کمک مردم نبوده اند بلکه همواره مردم را به سازش با حکومتها کشانده اند و الان مردم واقعا به يك حزب چپ و رادیکالی نیاز دارند که بتواند آنها را متحد و متشکل کند تا به کمک آن مبارزه شان را با رژیم به نتیجه برسانند و من امیدوارم که حزب کمونیست کارگری چنین حزبی باشد و با کانال جدیدش که دارد روشنگری میکند و حرفهای دل مردم را میزند بتواند مردم را برای يك دنیای بهتر آماده کند و بتواند در سازماندهی مردم موفق شود. ما همه باید بتوانیم از این کانال استفاده کنیم و آنرا برپا نگاهداریم. مردی از کردستان، طرفدار حزب

حزب اتحاد می خواهیم

الو سلام. اولاً درود زیاد دارم بشما و بینندگان شما. میخوام بگویم که موضوع جالبی انتخاب کرده اید چونکه یکی از مشکلات اصلی ما در مبارزه همین بود و نبود يك حزب انسانی توانمند است. ما يك حزب اتحاد می خواهیم و يك رهبر با اعتماد و مشخص می خواهیم که جامع و کامل و بدون هیچ عیب و نقصی باشد و بتواند همه مردم معترض را دور خود جمع کند. خسته نباشید.

مردی از ایران، طرفدار حزب

بدون کانال جدید نمی توانم بخوابم

سلام آقای کریمی. خدمت خانم دانشفر و خانم محبوبی و کیوان جاوید و کاظم نیکخواه و همه تان سلام و عرض ادب دارم. الان ۵ روز است که بازار اصفهان بسته است و ما هم توی بازار بودیم و نگذاشتند که خرید بکنیم و بما هم گفتند برگردید و خرید نکنید و ما هم برگشتیم. باید بگویم که دیگر کارگری وجود ندارد و کارگر از بین رفته است و باید بگویم همه مردم گدا شده اند و آقای احمدی نژاد

می گفت که ۹۸ درصد مردم با ماست! من به آقای احمدی نژاد میگویم که اجازه بدهند تا هزار نفر از کانال جدید بیایند و آمار بگیرند تا ببینیم که آیا ۹۸ درصد مردم با شما هستند یا فقط ۸ درصد مردم با شما هستند! من کارگر که روزی ۱۲ هزار تومان حقوق میگیرم آیا با این پول بروم مرغ بخرم و گوشت بخرم و حبوبات و نان بخرم و پول آب و برق و گاز بدهم یا کرایه خانه را بدهم! تازه برای درمان کودکم مانده ام چه بکنم و برای مدرسه اش چگونه پول بپردازم! الان آمده اند و می خواهند به هر خانواده ۴۰ و خرده ای هزار تومان یارانه بدهند ولی من کارگر میدانم که فردا نان را پانصد تومان هم نمیتوانم بخرم لذا من این یارانه را هم نمیخواهم. بنزین لیتری چهار صد تومان را از کجا بخرم بیزم تو حلقوم پیکان قراضه ام که هنگام شب، شرمنده خانواده و زن و بچهم نباشم! بارها با شما تماس گرفته ام ولی با خود شما نتوانسته ام حرف بزنم و بیشتر با خانم دانشفر صحبت کرده ام. من الان از شیراز دارم صحبت میکنم و ساکن اصفهان هستم که سه ماه است کار گیرم نیامده و آمده ام در کوره یزخانه ای آجر پزی شیراز کار می کنم. خدا میداند که مستضعف از بین رفته و مملکت و گاز و خاک و نفت و همه مواد از کشور خارج میشود و من باید سه ماه به سه ماه از خانواده ام دور شوم و بیایم در شیراز آنهم توی کوره یزخانه کار کنم! فقط بخاطر آبروی خانواده و زندگی آنها این بدبختی را تحمل می کنم. تو را بخدا هر کاری که انجام دانی هست بکنید و ما هم کار خودمان را می کنیم و الان آنتن ماهواره دارم و دور و برم را رفیقانم گرفته اند و وابسته به من شده اند و می آیند برنامه های شما را دسته جمعی گوش می دهند که خیلی هم برنامه های خوبی هست و من به شما قول شرف میدهم که ۵۰ درصد مردم این شبکه را می بینند و حتی وقتی چند وقت پیش آمدند و ماهواره را جمع کردند و بردند دوباره ۱۵ هزار تومان جور کردم و رفتم خریدم و اگر اینترا هم بیایند و ببرند دوباره می روم تهیه میکنم. یعنی لباس نمی خرم و شب گرسنه می خوابم بدون آنتن و کانال جدید نمی توانم بخوابم. اگر اینها میگویند آزادی پس چرا

نمی گذارند من حرفم را بزنم! و چرا خط تلفنم را کنترل میکنند و میبندند شلاقم میزنند و زندان میکنند! و چرا نمیگذارند گوش به حرفهای آقای کریمی بدهم! آیا من هم انسانم؟! اگر انسانم پس بگذارید نظر خودم را بدهم! اگر هم انسان نیستم و حیوانم که خوب تکلیف خودم را بدانم. ما خیلی کار بدی کردیم و پشیمانیم که شما را سر حکومت آوردیم و حالا که می بینیم بدبختمان کردید و جوانانمان را معتاد کردید و همه چیزمان را غارت کردید و بانکهای خارجتان را پر کردید الان دیگر نمیخواهیم و میگوییم بروید و ما نیازی بشما نداریم و میخواهیم شما را بیاندازیم و جارو کنیم. باور کنید آقای کریمی از شرم زن و بچه ام میخواستم خود کشی کنم و بمیرم و رفقایم نگذاشتند و آمدند و گرفتند. آخه من که هنگام شب نمیتوانم دو کیلو پرتقال بخرم بیرم به خانه. ... آخه چرا باید سه ماه کار کنم و ۶ ماه بروم بخوابم. چرا؟ ببخشید اگر بیسودم و نتوانستم حرفهایم را خوب ادا کنم و ناراحت و عصبانی هستم. ما داریم روی اسکناسها مینویسیم زنده باد کمونیسم و مرگ بر سرمایه داری تا بیشتر در بین مردم بچرخد. خدمت همه تان سلام میسرانم و دست همه تان را میبوسم. خسته نباشید و زنده باد حزب کمونیست کارگری.

مردی از اصفهان

این حزب می تواند مردم

را جمع کند

سلام آقای کریمی. من از کرج زنگ میزنم. من حزب شما را قبول دارم و واقعا حزب موفقی میدانم که میتواند مردم را جمع کند و کارگر را متحد کند و رهبری کند و نظر من با نظر شما کاملا یکی است. کارگران به حقوق خودشان آشنایی دارند ولی این رژیم کشیف دارد مردم را بیچاره می کند و کارگری را که ستون و پایه ی تولید جامعه است دارد تضعیف میکند و از بین میبرد. من نمی دانم که این رژیم یا جوانان ما چرا دارد اینطوری بازی میکند! ... میخوام بگویم که ننگ بر این حکومت آخوندی و ننگ بر این رژیم جمهوری اسلامی. ببخشید که اینطوری صحبت میکنم. باور کنید که از مرده های ما هم دارند پول می خورند و قیرها دیگر کمتر از ۱۰ میلیون نیست. این حرفها را دارم با

مسئولیت خودم میزنم که این خامنه ای شیره ای اینهمه پولها را از کارگران میزند و دارد می ریزد توی جیب خودش و می دهد به تروریستهای فلسطین و لبنان و غیره. رژیمی که نه خدا می شناسد و نه دین و نه هیچ چی! و من میخوام بگویم ای رژیم آخوندی کشیف ... شماها را بزیر خواهیم کشید به یاری این حزب و ایزد توانا پایین میکشیم چون که متحد هستیم. زنده باشید.

مردی از کرج

این حزب را امتحان کنیم

سلام. کشور ما صدها سال پادشاهی بوده متاسفانه و الان سی سال هم هست که حکومت اسلامی سر کار است. شعار مردم ما این شده که ما مثل مرغی میمانیم که هم در عزا سرمان را میبرند و هم در عروسی و بخاطر همین مردم مار گزیده شده اند. من می گویم ما که سالهای سال ظلم دیدهایم بیایید این ترس را بگذاریم کنار و یکبار هم طرفدار این حزب شویم و این حزب را امتحان کنیم. زنده باشید.

مردی از ایران

باید این حزب را داشته باشیم

سلام. این حکومت جمهوری اسلامی هیچ وقت بدرد مردم نخورده و نخواهد خورد و من کاملا با نظر شما موافقم که باید این حزب را داشته باشیم و احزاب دیگر را میبینم که دلشان با مردم نیست.

مردی از مشهد

هیچ گونه آزادی نداریم

سلام. از بوکان زنگ میزنم. ما مردم و مخصوصا ما زنها خیلی مشکل داریم و اصلا نمی توانیم حرف بزنیم و هیچگونه آزادی نداریم و زندگی کردن در ایران بخصوص برای زنان خیلی سخت شده که برای راه رفتنمان يك جور حرف در میاورند و برای حرف زدن مان یکجور مشکل درست میکنند. ما خیلی وقت است که برنامه های شما را نگاه میکنیم و خیلی هم ممنونیم از صحبت های این حزب.

زنی از بوکان

باید دور این حزب جمع شویم

سلام آقای کریمی. ما باید جمع شویم و متحد شویم و این رژیم را بیاندازیم. کل دوستان من همین فکر را دارند و حق با شماست که باید دور این حزب جمع شویم و متحدرتر و قوی تر پیش

برویم. جوانی از ایران

حزب باید حزب همه زحمتکشان باشد

سلام. من فکر میکنم در بین مردم برداشت اشتباهی شده که حزب کمونیست کارگری فقط برای کارگران است در صورتی که باید حزب تمام زحمتکشان از جمله بازنشستگان و دانشجویان و اقشار زحمتکش دیگر باشد که رفاه کافی ندارند. من دانشجویی هستم که پانصد هزار تومان از حقوق بازنشستگی پدرم هزینه تحصیل داده ام در صورتی که حقوق ماهانه اش دویست و پنجاه هزار تومان است و من هم باید کار کنم و هم درس بخوانم. فکر کنم حزب کمونیست کارگری باید از دانشجویانی مثل من هم دفاع بکند که بتوانیم درس بخوانیم و زندگی آزاد و برابر و خوبی را ممکن کنیم.

دختر دانشجوی از تهران، طرفدار حزب

بیاید این حزب را انتخاب کنیم

سلام علیکم. این رژیم مردم را زیر خط فقر اندر فقر دارد له و لورده میکند و هر کوچکترین اعتراضی که می کنیم، می گیرند و می برند و کاری هم به این ندارند که همسر و کودک گرسنه ای در خانه منتظرش هستند و اینجا باید یکی باشد که از این مردم حمایت کند و دفاع کند و حالا خوشبختانه میبینیم که يك حزبی مثل حزب کمونیست کارگری هست و مردم بالاخره باید مثل تصمیم به سفری که برایش بلیط می گیرند و آماده میشوند، بیایند و این حزب را انتخاب کنند تا بتوانیم کلک این رژیم را بکنیم و دیگر تا کی باید تو سری بخوریم و جان بکنیم و زیر خط فقر اندر فقر، بیچارگی را تحمل کنیم.

مردی از ایران

به حزب پیوندیم

سلام بر شما. ۹۵ درصد مردم از دست رژیمی که پدرشان را درآورده ناراضی اند و چشم دیدنشان را ندارند و آن ۵ درصد هم خودشان هستند... میخواستیم به حزب پیوندیم و هر کاری که از دستمان بر بیاید کمک کنیم تا متحد شویم و پیروز شویم.

مردی از ایران

زندگی انسانی حق ماست سلام آقای کریمی زنده باشید. ما مردم ایران آرزوی يك زندگی آزاد و

رژیم اسلامی عقب نشست! اعدام کودکان در ایران متوقف میشود!

سخنگوی قوه قضائیه ایران روز سه شنبه ۱۵ اکتبر اعلام کرد که با حذف مجازات اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال، قوانین جاری ایران با قوانین کنوانسیون حقوق کودک مطابقت خواهد یافت.

جمال کریمی راد، سخنگوی قوه قضائیه از تدوین آیین دادرسی ویژه ای برای کودکان خیر داد که به صورت لایحه ای پنجاه و سه ماده ای به مجلس شورای اسلامی فرستاده شده است و در صورتی که به تصویب برسد، برای افرادی که کمتر از هیجده سال سن داشته باشند مجازات شلاق یا اعدام در نظر گرفته خواهد شد.

روز پنجشنبه ۱۷ اکتبر حسین ذبحی معاون قضایی دادستان جمهوری اسلامی به خبرگزاری دولتی ایران - ایرنا گفته است: "متهمانی که سن آنها کمتر از ۱۸ سال است با هر درجه از جرمی که مرتکب شوند، با استناد به قوانین موضوعه ایران،

اعدام نخواهند شد بلکه به سایر مجازاتهای مقرر در قانون محکوم می شوند."

به گفته ذبحی، بر اساس بخشنامه ای که برای مراجع قضایی در سراسر ایران فرستاده شده، مجازات افراد زیر هیجده سال در مرحله نخست به حبس ابد کاهش خواهد یافت و در مرحله دوم نیز به ۱۵ سال حبس محکوم می شوند.

اینها یعنی اینکه جمهوری جنایتکار اسلامی که پیشرفته کودکان و نوجوانان را به جو خه دار می سپرد، مجبور شده است زیر فشار اعتراض و نفرت مردم و اعتراضات بین المللی، یک گام عقب نشینی کرده و اجرای احکام اعدام کودکان و نوجوانان را متوقف کند.

ایران تنها کشوری است که رسماً کودکان را به قتل میرساند و در زندانهایش تا لحظه کنونی صدها کودک و نوجوان در انتظار اجرای

صمیم قلب تبریک میگویم. این یک پیشروی بزرگ برای همه ما است.

ما میتوانیم با اعتراضات خودمان جان تعداد بیشتری را نجات دهیم. ما میتوانیم حکومت جنایتکار اسلامی را بیش از پیش عقب برانیم. باید متحدانه به پا خاست و علیه قتل عمد دولتی مبارزات گسترده تری را در پیش گرفت.

کمیته بین المللی علیه اعدام به همه فعالین علیه اعدام و به همه مردم در ایران و در سراسر جهان بدلیل تحمیل این عقب نشینی به حکومت جنایتکار اسلامی تبریک میگوید و دست همه این عزیزان را به گرمی میفشارد.

زنده باد جنبش جهانی
علیه اعدام
مینا احدی
مستول کمیته بین المللی
علیه اعدام
۱۶ اکتبر ۲۰۰۸

حکم اعدام بسر میبرند. اعتراض به این جنایات در ایران و در دنیا بسیار گسترده بوده است و آخرین نمونه این اعتراضات، قطعنامه های تجمعات روز جهانی کودک بود که در همه آنها به وضوح علیه اعدام کودکان صحبت شده و این جنایات شدیداً محکوم شده بود.

عقب نشینی جمهوری اسلامی ایران، یک پیشروی مهم برای جنبش علیه اعدام است. ما نباید بگذاریم حکومت اسلامی ایران به هر بهانه ای به قتل انسانها دست بزند. اعدام قتل عمد دولتی است و باید با مقابله و مخالفت گسترده و متحدانه بیشترین بخشهای مردم در ایران و در دنیا مواجه شود.

من از طرف کمیته بین المللی علیه اعدام به خانواده هایی که فرزندان آنها در خطر اجرای حکم اعدام بوده و با این عقب نشینی حکومت نجات می یابند از

**یک
دنیای
بهرتر
برنامه
حزب
را بخوانید
و در سطح
وسیع توزیع
کنید**

اعدام قتل عمد دولتی

خشونت در جهان نسبت به زنان سخنرانی مینا احدی در شهر دالاس - آمریکا

اعدام يك واقعه و چشتناك است كه متأسفانه در این قرن و با این درجه از پیشرفت تمدن و انسانگرایی در بین مردم، كمكان از سوي دولتهایی در جهان اجرا میشود.

اعدام قتل عمد توسط دولتها است و به فرد ساعت و روز مرگش را ابلاغ میکنند و با سببیت تمام، با تزیین سم و یا انداختن طناب به دور گردن محکومین به مرگ و یا با شلیک گلوله و گردن زدن ... آنها را، با کمال خونسردی و سفاقت میکشند.

يك وجه مهم دفاع از اعدام، این توهم است كه اعدام مانع جنایات بیشتر در جامعه میشود و امنیت ایجاد میکند و یا اعدام وسیله جلوگیری از جنایات و جرایم بیشتر است. برخلاف همه این حرفها اثبات شده است كه اعدام نه تنها مانع هیچ جرم و جنایتی نشده است، بلکه ابعاد جرایم و جنایات را بیشتر کرده است.

در ایران بزرگترین جانی و جنایتکار خود جمهوری اسلامی است و بیشترین جنایت توسط دولت و از طریق اعدام انجام میشود. اعدام نه تنها مانع جنایت نمیشود بلکه خود يك جنایت عمده علیه بشریت است و دولتها آنرا با خونسردی تمام و "قانونی" انجام میدهند.

باید قتل عمد دولتی در همه دنیا ممنوع شود. این امر با مبارزه و فعالیت و اعتراضات همه ما ممکن است. به امید دنیایی عاری از اعدام.

از طرف دانشگاه SMU از مینا احدی مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام و سخنگوی سازمان علیه تبعیض دعوت شده است که در روز پنجشنبه بیست سوم اکتبر در سمیناری تحت عنوان "خشونت در جهان نسبت به زنان" شرکت کند.

همچنین در روز جمعه بیست و چهارم اکتبر نیز در هتل "هالیویدی این" سخنرانی تحت عنوان "اعدام قتل عمد دولتی" خواهند داشت.

از تمام علاقمندان درخواست میشود که در این برنامه ها شرکت کنند.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - دالاس

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد دالاس
برای اطلاع دقیقتر از زمان و مکان این برنامه ها به سایت روزنه مراجعه کنید
www.rowzane.com

از صفحه ۹ صدای مردم در کانال جدید

مردی از ایران

ما را راهنمایی کنید

الو سلام. آقای کریمی ما مدت سی سال است که داریم فقط حرف میزنیم و تاحدی که لازم بوده عملی انجام نداده ایم که از اینهمه بدبختی و بیچارگی که رژیم به ما مردم تحمیل کرده بلند شویم و یک رهبری قدم بپیمان بگذاریم و راهنمایی مان کند تا بدانیم که باید چگونه این رژیم را سرنگون کنیم. پسر من ۲۷ سالش است و تحصیلات و حرفه خوبی هم دارد ولی خودش را به هر دری میزند که از مملکت خارج شود چرا که فقط یک قلم از مشکلاش این بود که دویست هزار تومان حقوق میگرفت که آنهم فقط خرج بنزین ماشینش می شد و البته همه ی جوانان ما هستند که این مشکلات را دارند اما آخر چرا باید اینجور باشد! امیدوارم ما را راهنمایی کید تا دست بدست هم این وضعیت را تمام کنیم.
زنی از تهران*

این مطلب را ناصر احمدی
پیاده و تایپ کرده است.

حقوق کودکان به میدان می آیند، هنگامیکه با پرچم نقد سرمایه و با شعار آزادی و رهایی همه انسانها به میدان می آیند، هنگامیکه برای ممنوعیت کار حرفه ای کودکان فریاد میزنند، هنگامیکه اعلام میکنند حقوق کودک بر هر منفعت سیاسی، اقتصادی، ملی و مذهبی مقدم است! و هنگامیکه با تمام مانع تراشیهای رژیم اسلامی مقابله میکنند و این سدها و موانع را پس میزنند ما یک کشمکش را میبینیم. این کشمکش و این جدال بخشی از جدال طبقاتی جنبش ما، جنبش برای

خواهد بود که فکر کنیم این جنگ با یک آکسیون پیروز میشود و یا شکست میخورد. اما اینجا تاکید بریک نکته مهم است این جنبشهای رادیکال و سوسیالیستی راهی بجز پیروزی بر رژیم و سیستم حاکم ندارند. برای پیروزی باید طرح و نقشه داشت. ما مدعی هستیم که این طرح و نقشه را در اختیار جنبشمان قرار داده ایم. این فستیوالها قدمهای ارزشمندی در جهت پیروزی هستند. باید برای پیروزی نهایی تدارک بیشتری را ببینیم. *

از صفحه ۱ کارگران تبریز هم به ...

کمیونسم در صحنه سیاسی و در صف مقدم مبارزه برای سرنگونی این رژیم و شکل دادن به جامعه ای آزاد و انسانی قرار داشته باشد، باید این کانال و این حزب را با تمام وجود تقویت کرد. نفس کمک به این کانال و حفظ آن یک جبهه مهم مبارزه مردم و حفظ یک سنگر مهم در این مبارزه است. کانال جدید امید توده انبوهی از انسانهای شریف و انقلابی، معترض و سوسیالیست است و باید به کمک خود آنها تقویت شود. آنچه من میخواهم تاکید کنم عاجل بودن این مساله است. برای ما و فکر میکنم برای هر کارگر معترض و هر انسان زجر کشیده ای سرنگونی این حکومت عاجل است، رسیدن به یک جامعه انسانی عاجل است و من اضافه میکنم که حفظ این کانال هم

عاجل است. کمک های تاکنونی دوستان حزب و کانال جدید ۲۵ درصد یا یک چهارم هزینه های کانال جدید را تامین کرده است، باید بسرعت دست به کار شویم و بقیه هزینه این کانال را هم تامین کنیم. میتوانیم این کانال را نگهداریم و این وظیفه انسانهای زیادی است. و من اینجا بویژه از دوستان عزیز می گویم که از توان مالی بهتری برخوردارند تقاضا میکنم تصمیم بگیرند و بخشی از بار و فشار مالی کانال جدید را بدوش بگیرند.

آلمان- فرانکفورت- روز جمعه ۱۰ اکتبر به مناسبت روز جهانی علیه اعدام، از طرف کمیته فرانکفورت تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران و کمیته بین المللی علیه اعدام دو نمایشگاه سازمان داده شده بود. نمایشگاه اول در دانشگاه فرانکفورت از ساعت ۱۲ تا ۳ بعد از ظهر بود. دهها پلاکارد، عکس، پوستر به همراه لیست اسامی بیش از ۵ هزار تن از قربانیان اعدام های سال های اخیر توسط جمهوری اسلامی محوطه بزرگی را در دانشگاه پوشانده بود. در کنار نمایشگاه میز اطلاع رسانی بر پا گردیده بود. در طول مدت بیش از سه ساعت، صدها نفر از این نمایشگاه دیدن کرده و با کادرها و فعالین حزب پیرامون موضوعات مختلف به بحث و گفتگو پرداختند.

بعد از اتمام برنامه دانشگاه از ساعت ۴ تا ۷ بعد از ظهر نمایشگاه عکس از جنایات جمهوری اسلامی در مرکز شهر فرانکفورت بر پا گردید. از ساعت اولیه اعلام برپایی نمایشگاه صد

از صفحه ۴ سوسیالیسم و سکولاریسم در ...

می فهمند که چقدر به مردم ایران و عراق و افغانستان و یا پناهندگان و پناهیجویان ایرانی و غیره نزدیکند و اینگونه احساس واقعی نزدیکی و همبستگی با آن ها می کنند. بنظرم این نوع تلاش ها در ساختن جنبش همبستگی برای پشتیبانی از مردم ایران در کار سرنگونی رژیم اسلامی حیاتی است.

اصل این مصاحبه به زبان انگلیسی انجام شده است و بابک کسرائی آن را به فارسی ترجمه کرده است. *

معمولی نمیتوانستیم.

انترناسیونال: این کنفرانس چگونه به تلاش ما برای مقابله با رژیم اسلامی در ایران و ایجاد همبستگی با مردم ایران کمک می کند؟

مریم نمازی: به نظرم وقتی کمک خیلی اساسی می کند که می گوید جنبشی داریم که می گوید مردم در ایران در خط نبرد مبارزه با اسلام سیاسی هستند و خواسته های مردم در اینجا جهان شمول است و نه غربی. این گونه است که مردم اینجا در غرب

www.wpiran.org **سایت حزب:**
 www.rowzane.com **سایت روزنه:**
 www.INTERNASIONAL.com **نشریه انترناسیونال:**
 www.newchannel.tv **سایت کانال جدید:**

آدرس تماس با حزب:
 Tel: 0046-739318404
 Fax: 0046- 8 6489716
 Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی
 I.K.K
 Box: 2110
 127 02 Skärholmen - Sweden

مسئول صفحه بندی انترناسیونال: آر ش ناصری

**سوسیالیسم
 پیا خیز!
 برای
 رفع تبعیض
 به حزب
 کمونیست
 کارگری
 پیوندید**

لیست کمک کارگران تبریز به کانال جدید

۱- کاظم مهدوی	۲۰ هزار تومان
۲- رحیم امیدوار	۲۰ هزار تومان
۳- اصغر علیزاده	۱۵ هزار تومان
۴- مهناز اکبری	۱۵ هزار تومان
۵- مینا حیدری	۲۰ هزار تومان
۶- محمد رضائی	۲ هزار تومان
۷- اکبر علیزاده	۱۵ هزار تومان
۸- صبا ورزنده	۲۰ هزار تومان
۹- اتابک مهرپرور	۱۵ هزار تومان
۱۰- حسین نقی زاده	۲۰ هزار تومان
۱۱- فرامرز قاسمی	۱۵ هزار تومان
۱۲- شهریار خلیلی	۲۰ هزار تومان
۱۳- هوشنگ پورمهر	۲۰ هزار تومان
۱۴- سارا تبریزی	۱۵ هزار تومان

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

در حاشیه رویدادها

محمد رضا پویا



سقوط پایان تاریخ

اسلامی مانند طالبان را تحقق یافتن آروزی دیرینه مردم آن دیار معرفی میکرد و کمک دول غربی به تسلط ماشین جنایت اسلام سیاسی بر جامعه را، هدیه "دنیای آزاد" به جهان اسلام بشمار می آورد. در چهار گوشه جهان گانگسترهای سیاسی با حمایت مستقیم غرب با پلانتفرم حمله به معیشت مردم و بی مسئولیتی کامل دولت در قبال جامعه یکی پس از دیگری بقدرت رسیدند.

بلوک پیروز نان و آب و سرنوشت زندگی مردم را بدست "منطق" بازار سپرد. ریگانیم با تئوری "حداقل کنترل" و معافیت سرمایه از پرداخت مالیات، بر آن بود تا با جاکن کردن سنگرهای دفاعی مردم، سرمایه را به یک شکوفایی دراز مدت برساند. اما در انتهای سال دو هزار و هشتاد و هشت کل این عمارت فرو ریخت. مبشرین پایان تاریخ، خود پایان ریگانیم را به جهان اعلام نمودند. بحران بزرگ سرمایه داری در آمریکا در وال

استریت محبوس نماند و سرعت به سراسر جهان سرایت نمود. سرعت گسترش بحران موجب شد که دیگر کسی به مزخرفات روزهای اول سخنگویان بنگاه های بزرگ سرمایه در آمریکا گوش فرا ندهد. این ادعای مسخره که گویا این بحران بزرگ در نتیجه اشتباه محاسبه بانکها در تخصیص اعتبارات بوده است دیگر حتی از جانب دست راستین میادای امریکایی هم شنیده نمی شود. مردم از آمریکا تا آلمان، از آرژانتین تا کره جنوبی بحران کنونی را عمیقاً در زندگی خود حس کرده اند. صدها هزار نفر شغل خود را از دست داده اند، شمشیر بیکاری و عدم توانایی در تامین مایحتاج اولیه زندگی بر سر بخش اعظمی از مردم دنیا گرفته شده است. تئوری پردازان عدم دخالت دولت در اقتصاد، امروز به دولت آمریکا هشدار میدهند که برای تخفیف بحران سریعاً دخالت کند و نهادهای کنترل و نظارت بر "سوسپید" مالی به سرمایه داران را بوجود آورد. بحرانی که به گفته اقتصاد دانان جهان سرمایه داری از بحران دهه سی که منجر به جنگ دوم جهانی گردید، عمیقتر است. وحشت از بالا گرفتن اعتراضات مردم، در اتخاذ سیاست های اقتصادی دول سرمایه داری

حرف اول را میزند بگونه ای که دول اتحادیه اروپا از ترس عمیقتر شدن بحران در اروپا با سیاستهای اقتصادی اتخاذ شده دولت امریکا کاملاً همراهی نکردند و حتی حاضر نشدند در اروپا یک سیاست واحد اقتصادی را در دستور کار بگذارند. قرار است هر کسی در خانه خود را جارو کند.

اما این بحران زیر پای تلاشهای آمریکا برای تبدیل شدن به تنها ابر قدرت جهانی را بیش از پیش خالی کرد. در سطح سیاسی حمله روسیه به گرجستان و ناتوانی امریکا در محافظت از هم پیمان خود در گرجستان، سیکل آخر بحران "نظم نوین جهانی" را کلید زد و به شرایطی انجامید که قطب مقابل یعنی تروریسم اسلامی در عراق و افغانستان با فرجه بیشتری و با دست بازتری با دول غربی مقابله کنند. برخی از ایالتهای افغانستان امروز رسماً در دست طالبان است. ناتو تلاش میکند از طریق عربستان با طالبان مذاکره کند. همین سناریو در بحران اتمی رژیم اسلامی هم قابل مشاهده است. جمهوری اسلامی تلاش میکند از بحران گرجستان و بحران اقتصادی امریکا سود بوجود و فشار دول ۵ + ۱ بر روی خود را کم کند و با خرید وقت خود را به بمب اتم مسلح نماید. در سطح اقتصادی امریکا توانایی قبلی برای دیکته کردن نسخه های اقتصادی خود که عمدتاً از طریق بانک جهانی و صندوق بین المللی پول پیش میرفت را باز نخواهد یافت. امریکا حتی قدرت مقابله با هجوم سرمایه های چینی به بازار خود را ندارد. حریفی که توانسته است با حاکم کردن شرایط بردگی "کار ارزان و کارگر خاموش" در اینسوی جهان، بازارهای وسیعی را تصاحب کند.

تحولات بزرگ در راهند. دو قطب تروریستی جهان تلاش میکنند با جنایت و میلیتاریزم به تحولات جهانی خون بپاشند. اما در مرکز و قلب اسلام سیاسی در ایران جنبش کمونیسم کارگری می تواند با سرنگون نمودن رژیم اسلامی، تحولات جهانی را رنگ دیگری ببخشد.

روز جهانی کودک و مکان منصور حکمت

بزرگداشت روز جهانی کودک در هفته

گذشته، بار دیگر مکان منصور حکمت در صحنه سیاست ایران را بنمایش در آورد. منصور حکمت اولین رهبر مارکسیستی در جهان است که دفاع از حقوق کودک را با یک برنامه روشن و ادعا نامه بی تخفیف، وارد سیاست نمود. در هیچکدام از تحولات بزرگ جهان، دفاع از حقوق کودکان جایی در سیاست و برنامه عمل احزاب نداشته است. ادعا نامه منصور حکمت در دفاع از کودکان، امروز به یک جنبش بزرگ سیاسی در جامعه تبدیل شده است که تحقق یک زندگی شاد و مرفه برای کودکان را، وظیفه جامعه میداند. منصور حکمت اولین رهبر کمونیستی و کارگری است که دولت را وکیل مدافع دائمی کودکان معرفی میکند که ملزم است در همه عرصه ها راه را برای یک زندگی مرفه با استانداردهای بالا برای آنها باز نماید. او اولین کسی است که اعلام میکند کودکان بی مذهب، مذهب اجازه دخالت در زندگی کودکان را ندارد، اجازه نمیدهم با "خصوصی" سازی مذهب در چهاردیواری خانه از شرکت کودکان در فعالیتهای اجتماعی و تفریحی ممانعت بعمل آید. او اعلام میکند کار کودکان ممنوع و همین امروز به همین نام و با همین مضمون دهها تشکل دفاع از حقوق کودکان در ایران شکل گرفته است که تامین یک زندگی انسانی برای کودکان را در گرو واژگونی این نظم وارونه میداند. جمله به جمله کيفر خواست منصور حکمت امروز به بیانیه سیاسی کودکان کار و خیابان تبدیل شده است که هر ساله در روز جهانی کودک از تهران تا سئندج، حقوق خود را فریاد میکنند. شکل گیری و پیدایش جنبش سیاسی دفاع از حقوق کودکان همین امروز با وجود حاکمیت رژیم اسلامی، نگاه جامعه نسبت به کودک را عوض نموده است. هیچ تحول سیاسی در ایران بدون مراجعه به این جنبش نمیتواند شکل بگیرد. منصور حکمت و حزب کمونیست کارگری این جنبش را به خیابان کشاندند، به آن برنامه سیاسی دادند و از آن محافظت نمودند. در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی، تامین فوری یک زندگی انسانی برای همه کودکان در صدر منشور آزادی و برابری حزب کمونیست کارگری ایران خواهد بود. *

گفت و شنود با حمید تقوایی

لیدر حزب کمونیست کارگری ایران به زبان انگلیسی

طوفان بحران مالی و خطر رکود اقتصادی، زندگی میلیونها

نفر را تهدید میکند.

باتک جهانی شورش گرسنگان و قحطی در پنج قاره جهان

را هشدار میدهد!

راه حل های سرمایه جهانی کدامست؟

کمونیسم کارگری، چه راه حل دارد!

شنبه ۱۸ اکتبر ساعت ۱۲ تا ۱۵

Medborgar huset، طبقه چهارم

Medborarplatsen -

این گفت و شنود به زبان انگلیسی است، در صورت لزوم مترجمین سوئدی و فارسی به شما کمک خواهند کرد.

تلفن اطلاعات: افسانه وحدت

0702468454